

تحلیل جامعه‌شناختی توسعه جامعه مدنی در ایران

تحلیل مقایسه‌ای دوره مشروطه با دوره انقلاب اسلامی

محمد تقی سبزه‌ای^۱

(تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۸، تاریخ تصویب: ۸۹/۸/۱۹)

چکیده

هدف مقاله حاضر مطالعه و تحلیل جامعه‌شناختی مهم‌ترین دگرگونی‌های ساختار جامعه مدنی ایران طی یک قرن گذشته، یعنی فاصله زمانی دو دوره انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸) است. این مطالعه مبتنی بر نظریه نوسازی در جامعه‌شناسی است که تفکیک و تمایز کارکردی و نیز تخصصی شدن نقش‌ها و کارکردهای نظام‌های اجتماعی را در روند توسعه جامعه از سنتی به مدرن توضیح می‌دهد و تلاش می‌کند فرآیند رشد و توسعه نظام جامعه مدنی را در ارتباط با سایر فرآیندهای تغییر تکاملی نظام‌های اجتماعی ایران در دو دوره مشروطه و انقلاب اسلامی تحلیل کند. نتایج این مطالعه که به روش اسنادی و با تکنیک مقایسه‌ای صورت گرفته است، نشان می‌دهد که اولین فرآیند تغییر اساسی در جامعه ایران با تغییر سیاسی آغاز شد؛ فرآیندی که منجر به شکل‌گیری قوای مقننه، مجریه و قضاییه شد. در این دوره، همه نظام‌های اجتماعی در جامعه ایران به سه نهاد اجتماعی وابسته به هم، یعنی "دین"، "بازار" و "دولت" محدود می‌شدند. این نظام‌ها به مرور زمان به هفت نظام اجتماعی نسبتاً مستقل شامل دولت، اقتصاد، دین، آموزش، حقوق، قشربندی اجتماعی و جامعه مدنی گسترش پیدا کردند. آخرین نظام اجتماعی ساخت یافته در جامعه ایران، یعنی جامعه مدنی، به تدریج در ابعاد و جنبه‌های زیر توسعه و تکامل می‌یابد: فضای عمومی، سازمان‌های غیر دولتی، شوراها، مطبوعات، احزاب سیاسی و جنبش‌های اجتماعی (دانشجویی، زنان و حقوق بشر). هم‌چنین می‌توان گفت امروزه نقش‌ها و کارکردهای جامعه مدنی مانند وظایف و کارکردهای سایر نظام‌های اجتماعی به طور نسبی در چارچوب سازمان‌ها نهادینه و تخصصی می‌شوند.

واژگان کلیدی: حوزه عمومی، جامعه مدنی، نظام اجتماعی، سازمان‌های غیر دولتی، تمایز و تفکیک کارکردی.

مقدمه

روند نوسازی در ایران که با تغییر ساختار سیاسی ایران در اوایل قرن بیستم، یعنی سال ۱۲۸۵ هجری شمسی (۱۹۰۵ میلادی) با انقلاب مشروطه آغاز شد، به تدریج تغییراتی را در سایر ساختارهای جامعه ایران و به‌ویژه پیدایش و رشد جامعه مدنی رقم زد که در زیر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

^۱ استادیار دانشگاه رازی / moh_sabzehei@yahoo.com

۱. نظام سیاسی

نظام سیاسی ایران قبل از انقلاب مشروطه الگویی موروثی داشت. در ساختار موروثی قدرت^۲، قانون و تعهد متقابل بین شاه و مردم وجود ندارد، یعنی شاه هیچ‌گونه تعهدی در قبال مردم ندارد و مملکت ملک وسیع شاه به حساب می‌آید؛ همه در مقابل شاه مکلف و موظف‌اند و شاه است که ذی‌نفع و صاحب حق به شمار می‌آید. در ساختار حکومت قاجار در قرن ۱۹ و ۲۰ نیز چنین وضعیتی حاکم بود. شاه می‌توانست نظر شخصی خود را بر کل کشور اعمال کند و نسبت به هر چیزی مدعی باشد؛ هیچ چیز - اعم از قانون، سنت و تعهد نوشته یا نانوشته‌ای - وجود نداشت که بتواند قدرت شاه را محدود کند (چلبی، ۱۳۸۷: ۲۸). منبع مشروعیت شاه قدرت اراده و توان او در اداره امور کشور بود. توزیع قدرت و مناصب کشوری و لشکری نه براساس میزان تخصص و شایستگی افراد، بلکه براساس روابط خویشاوندی و میزان نزدیکی به منبع قدرت صورت می‌گرفت (بشیریه، ۱۳۸۰: ۴۷). از دیگر ویژگی‌های این نظام سیاسی، تمرکز زیاد قدرت در دست شاه است. اعلان جنگ، عقد صلح، بستن قرارداد اقتصادی، واگذاری تیول، اعطای مناصب و وصول مالیات از وظایف شاه بود. او بالاترین مرجع قضایی کشور نیز شناخته می‌شد. شاه حتی می‌توانست نسبت به مال و منال هریک از شهروندان نیز ادعا کند (چلبی، ۱۳۸۷: ۲۹).

با وقوع انقلاب مشروطه و تدوین اولین قانون اساسی کشور این وضعیت تا حدود زیادی تغییر کرد. به طوری که در نظام سلطنتی مشروطه اختیارات شاه در امور کشور بسیار محدود شد و مجلس و عدالت‌خانه تأسیس شدند و با تفکیک نسبی قوا، قانون به‌عنوان مرجع حل مشکلات تا حدودی به رسمیت شناخته شد.

۲. اقتصاد (صنعتی و خدماتی)

هم‌چنین، نظام اقتصادی کشور در این دوره بر اساس کشاورزی (تیول‌داری) استوار بود که مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی روستایی قلمداد می‌شود. از آن‌جا که در این نظام اقتصادی میان حکام و تیول‌داران برخلاف رویه فئودالی غرب قراردادی بسته نمی‌شد، نظام اقتصادی زمین‌داری خاص و نیز دیوان‌سالاری پیچیده‌ای هم شکل نگرفت. در این نظام اقتصادی (کشاورزی)، نوعی رابطه زورمدارانه بین دولت و گروه‌های قومی شکل گرفت که بنا به شرایط داخلی و بین‌المللی پیوسته منجر به شورش‌های محلی علیه حکومت مرکزی می‌شد؛ به طوری که در زمان اوج قدرت حکومت مرکزی، قدرت‌های محلی بالاچار با آن همکاری می‌کردند و مالیات کشاورزی می‌پرداختند. با ضعف دولت مرکزی، قدرت‌های محلی نه تنها قانون دولت مرکزی را رعایت نمی‌کردند، بلکه علیه دولت مرکزی به مخالفت برمی‌خاستند و درصد براندازی آن برمی‌آمدند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۴۷).
قانون اساسی مشروطه نظام تیول‌داری را نیز لغو کرد، اقدامی که در بلندمدت باعث شکل‌گیری بخش صنعت و خدمات شد. به طوری که طی چند دهه گذشته بخش‌های صنعت و خدمات در کشور رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده‌اند، طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ در ایران سهم بخش کشاورزی از ۴۶/۶ درصد به ۱۸ درصد، یعنی به حدود دو برابر و نیم، تقلیل یافته است. در مقابل، سهم بخش صنعت از ۲۵/۹ درصد به ۳۲/۵ درصد و بخش خدمات از ۲۷/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۴۹/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است که رشد حدود ۹۰ درصدی را نشان می‌دهد (امانی، ۱۳۸۰: ۱۵۰ و تقوی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

۳. گسترش شهرنشینی

طبیعی است که تغییر در شیوه تولیدی کشور از کشاورزی به صنعت و خدمات باعث گسترش شهرنشینی شد. در حالی که

². Patrimonial power

فقط ۲۵ درصد مردم ایران در سال وقوع انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) شهرنشین بودند. این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۶۸/۵ افزایش یافته است. براساس سرشماری‌های صورت گرفته در کشور در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ میزان جمعیت شهرنشین کشور به ترتیب ۳۱/۴، ۳۹/۱، ۴۶/۹، ۵۴/۳، ۶۱ و ۶۸/۵ بوده است (امانی، ۱۳۸۶: ۱۰۵) که این روند در سال‌های آتی هم‌چنان افزایش خواهد داشت. براساس تحقیقات مرکز مطالعات جمعیتی وزارت مسکن و شهرسازی، ۷۰ درصد و براساس پیش‌بینی دیگری ۷۷ درصد جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ شهرنشین خواهد بود (ایزدی، ۱۳۷۳) که این میزان بالاتر از متوسط آن در کشورهای در حال توسعه در همین سال‌ها (۵۸ درصد در سال ۲۰۲۵) خواهد بود.

۴. آموزش (عمومی و عالی)

در حالی که تخمین زده می‌شود حدود ۹۰ درصد جمعیت ۱۰ میلیونی ایران در سال ۱۲۸۵ بی‌سواد بوده‌اند، طی سال‌های پس از آن و بخصوص در چند دهه اخیر تغییرات آموزشی مهمی در ترکیب سواد جمعیت ایران به وجود آمده است. برای مثال، جمعیت باسواد ایران که در سال ۱۳۴۵، ۲۸/۷ درصد از کل جمعیت ایران را شامل می‌شد، در سال ۱۳۸۵ به ۸۴/۶۰ درصد رسیده است. این به معنی آن است که بیش از ۶۳ میلیون نفر از مردم ایران در سال مزبور خواندن و نوشتن آموخته بودند. در سال ۱۳۸۵ نسبت باسوادی در مناطق شهری بیش از ۸۸ درصد گزارش شده است (مرکز آمار ایران و سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵). علاوه بر کاهش میزان بی‌سوادی، فاصله بین زنان و مردان از نظر شاخص سوادآموزی طی این سال‌ها کاهش آشکاری پیدا کرده است.

هم‌چنین، رشد آموزش عالی در کشور طی این سال‌ها بخصوص در سال‌های پس از انقلاب قابل توجه است. طبق آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعداد دانشجویان کشور از حدود ۱۷۵.۶۷۵ نفر در سال ۱۳۵۷ به ۳.۳۰۰.۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است (گزارش ملی آموزش عالی ایران، ۷۵-۱۳۷۴ و سرشماری سال ۱۳۸۵). براساس آخرین سرشماری کشور، در سال ۱۳۸۵ تعداد کل جمعیت کشور ۷۰.۴۹۵.۷۸۲ نفر بوده است که با توجه به جمعیت دانشجویی حدود ۳.۳۰۰.۰۰۰ نفری در سال ۱۳۸۶، سرانه دانشجویی به جمعیت در این سال به بیش از ۴۶۰۰ نفر ارتقا یافته است.

۵. قشربندی اجتماعی

در حالی که در دوران مشروطه به دلیل بافت غالب روستایی و عشایری کشور (۷۵ درصد) نظام قشربندی کشور نه از طبقات توسعه‌یافته، بلکه از گروه‌های کوچک محلی و عشایری، بازاریان، روحانیون و روشن‌فکران - که هم از نظر تعداد و هم از نظر کیفیت محدود و ضعیف بودند- تشکیل شده بود، به تدریج در نتیجه برنامه‌های نوسازی صنعتی، توسعه بخش خدمات، گسترش آموزش عالی، رشد شهرنشینی و تشکیل نظام اداری نوین تغییراتی در ترکیب طبقاتی جامعه ایرانی در طی یک قرن گذشته رخ داد که باعث تحلیل رفتن طبقه متوسط سنتی و حذف گروه‌های محلی و عشایری و در پی آن پیدایش طبقات جدید اجتماعی، از جمله بورژوازی جدید و طبقه متوسط جدید و در رأس آن طبقه روشن‌فکر گردید.

با توجه به کاهش تولیدات بخش کشاورزی از ۴۶/۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۸ درصد در سال ۱۳۸۵ و کاهش سهم جمعیت عشایری از ۲۵ درصد در سال ۱۲۸۵ به ۰/۱۵ صدم درصد در سال ۱۳۸۵ (تقوی، ۱۳۸۷: ۶۲) و افزایش سهم صنعت و خدمات در کشور که میزان آن به ترتیب از ۲۵/۹ و ۲۷/۵ در سال ۱۳۴۵ به ۳۲/۵ و ۴۹/۱ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است، انتظار می‌رود که از نقش اقشار متوسط سنتی در تحولات سیاسی کاسته شود و نیروهای کارگری، طبقه متوسط (روشن‌فکر) و طبقه خرده‌بورژوازی که در حال شکل‌گیری و تقویت هستند، قدرت و اهمیت بیشتری پیدا کنند. در آینده طبقه سرمایه‌دار در ایران به علت افزایش بارز کارفرمایان و کارکنان مستقل بخش خصوصی رو به گسترش می‌رود. برنامه‌های

خصوصی سازی با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی این روند را تقویت می کند. طبق آمار رسمی، در حالی که رشد جمعیت شاغل ده ساله به بالا در بخش خصوصی در دو دهه ۷۵-۱۳۵۵ فقط ۳۷ درصد افزایش یافته است، تعداد کارفرمایان این بخش ۳ برابر شده است، یعنی عده کارفرمایان بخش خصوصی از ۱۸۲.۲۹۹ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۵۲۷.۵۱۰ نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است؛ مهم تر آن که در حالی که تعداد حقوق بگیران بخش خصوصی طی دو دهه مزبور فقط ۶/۷ درصد رشد کرده است، شمار کارکنان مستقل در این بخش ۱۸۹ درصد افزایش یافته است (رضایی، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

۶. جامعه مدنی

به عنوان آخرین نظام رو به تکامل در جامعه ایران باید به شکل گیری جامعه مدنی اشاره کرد که با شاخص هایی نظیر مطبوعات، احزاب سیاسی، انجمن های مدنی، شوراها، نهادها و سازمان های مدنی غیر دولتی، فضای عمومی و مجازی (اینترنت) و جنبش های اجتماعی (دانشجویی، زنان و حقوق بشر) مشخص می شود.

هدف اصلی این مقاله بررسی تغییرات انجام شده در جامعه مدنی، به عنوان آخرین نظام اجتماعی رو به رشد جامعه ایران است. در این راستا، مقاله در دو بخش به بررسی موضوع می پردازد. در بخش اول به سؤالات زیر پاسخ داده می شود:

۱. آیا ایران تا یک قرن پیش دارای نظامی اجتماعی به نام جامعه مدنی بوده است؟
 ۲. اگر جواب مثبت است، مهم ترین مؤلفه های سازنده این جامعه و کارکردهای آن کدام است؟
- قسمت دوم مقاله با طرح سؤالات دیگری درصدد بررسی تغییرات انجام شده در جامعه مدنی سنتی از دوره مشروطه تا عصر حاضر است:

۳. آیا در روند توسعه ایران نظام های اجتماعی از هم تفکیک شده اند؟
۴. آیا جامعه مدنی سنتی به نوع جدیدی از نظام اجتماعی تحول یافته است؟
۵. مهم ترین مؤلفه های سازنده جامعه مدنی جدید و کارکردهای آن کدام است؟

چارچوب نظری

به نظر می رسد، برای تحلیل تغییرات اجتماعی که در بالا به آن ها اشاره شد، لازم است ارتباط توسعه نظام جامعه مدنی با توسعه کل نظام های اجتماعی ایران مد نظر قرار گیرد. برای این منظور، نظریه تمایز و تفکیک ساختاری^۳ بهترین وسیله برای تحلیل موضوع است، چرا که این مفهوم اغلب گسست آشکار در الگوهای کهنه زندگی اجتماعی و اقتصادی در دوره های توسعه را تبیین می کند (اسملسر، ۱۳۸۱: ۳۵۸) و ایران نیز طی قرن گذشته در فرآیند توسعه قرار داشته است. نزد متفکران کلاسیک مکتب تکاملی نظیر امیل دورکیم^۴ فرآیند تغییر اغلب برحسب تخصصی شدن^۵ و پیچیدگی^۶ تجزیه و تحلیل می شود؛ در صورتی که نزد صاحب نظران متأخر این مکتب نظیر تالکوت پارسونز^۷، نیل اسملسر^۸، ساموئل ایزنشتاد^۹،

³. Structural differentiation

⁴. E. Durkheim

⁵. Specialization

⁶. Complexity

⁷. Talcot Parsons

⁸. N. Smelser

⁹. Samuel Eisenstadt

ریچارد مونچ^{۱۰} و نیکولاس لومان^{۱۱} و دیگران این مفاهیم تا حدود زیادی جای خود را به مفهوم تمایز و تفکیک می‌دهند. تمایز همانند پیچیدگی یا تخصصی‌شدن، در درجه اول، برای توصیف جدایی کارکردهای اصلی اجتماعی یا حوزه‌های نهادی اصلی جامعه از یکدیگر به کار می‌رود و در درجه بعدی، برای تبیین این موضوع که کارکرد نظام‌های اجتماعی تفکیک شده، به نقش‌های تخصصی وابسته می‌شوند و در درون چارچوب‌های سازمانی و نمادین نسبتاً خاص و مستقل همان نظام نهادینه شده سازمان می‌یابند.

در چارچوب تکاملی، چنین تمایز و تفکیکی به مثابه تحول و توسعه بی‌وقفه همان نمونه ایده‌آل جامعه بدوی تلقی می‌شود که در آن همه نقش‌های عمده بر مبنای انتساب توزیع می‌شوند و نیز تقسیم کار مبتنی بر واحدهای خانوادگی و خویشاوندی است. توسعه از طریق مراحل گوناگون تخصصی‌شدن و تمایز ادامه می‌یابد.

به نظر ایزنشتاد، تخصصی‌شدن و تمایز یافتگی حوزه‌های نهادی جامعه از یکدیگر به معنای وابسته‌نبودن آن‌ها به هم نیست. بلکه آن‌ها بیشتر به هم وابسته می‌شوند و در درون همان نظام نهادی فراگیر به صورت مکمل^{۱۲} عمل می‌کنند. اما مکمل‌بودن این حوزه‌های نهادی مشکلات دشوار و پیچیده انسجام و یکپارچگی را به وجود می‌آورد. استقلال رو به رشد هر حوزه از فعالیت اجتماعی و رشد هم‌زمان وابستگی و درهم‌تنیدگی متقابل آن‌ها، مشکلات بزرگ‌تری را برای هر حوزه ایجاد می‌کند؛ به طوری که هر حوزه باید گرایش‌ها و پتانسیل‌های خود را مشخص کند و روابط سازمانی و هنجاری‌اش را با حوزه‌های دیگر تنظیم کند. در سطح توسعه‌یافته‌تر تمایز، استقلال فزاینده هر حوزه موجب مسایل دشوار و پیچیده ادغام کردن این فعالیت‌های تخصصی در درون یک چارچوب سیستمی می‌شود (ایزنشتاد، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

اسملسر، تمایز را تکامل یک ساختار نقشی چند کارکردی به ساختارهای تخصصی متفاوت و مجزا تعریف می‌کند، یعنی فرآیندی که از طریق آن یک سازمان یا نقش اجتماعی به دو یا چند نقش یا سازمان تفکیک می‌شود. واحدهای اجتماعی جدید به لحاظ ساختاری از یکدیگر متمایز می‌گردند، اما به لحاظ کارکردی بر روی هم با واحد اصلی یکی می‌شوند (اسملسر، ۱۳۸۱: ۳۵۹). به نظر اسملسر، در روند توسعه این تمایز در ساختارهای خانواده، اقتصاد، مذهب، قشربندی اجتماعی و سیاست بروز می‌کند و در مرحله بعد، منجر به تخصصی‌شدن امور این نهادها می‌شود.

پارسونز در نظریه اصول عام تکامل اجتماعی، به چهار اصل تکاملی در نخستین سطح جامعه بشری اشاره می‌کند: فناوری، سازمان خویشاوندی، مذهب و ارتباطات مبتنی بر زبان که در روابط نسبتاً مشخصی با یکدیگر قرار دارند. هیچ جامعه بشری شناخته‌شده‌ای بدون این چهار مؤلفه وجود ندارد (پارسونز، ۱۳۸۱: ۲۸۰). به نظر پارسونز، در روند توسعه جامعه از حالت سنتی به مدرن شش نظام اجتماعی در سطح ساختار اجتماعی توسعه می‌یابند: قشربندی اجتماعی، مشروعیت فرهنگی، سازمان اداری، نظام بازار، نظام حقوقی و انجمن دموکراتیک. در حالی که دو نظام قشربندی اجتماعی و مشروعیت فرهنگی در مراحل ابتدایی تکامل جامعه رخ می‌دهند، دومین گروه اصول عام تکاملی در جوامعی توسعه می‌یابند که مرحله ابتدایی توسعه را پشت سر گذاشته‌اند، به‌ویژه در جوامعی که در آن‌ها سوادآموزی نهادینه شده است. دو مورد از اولین این اصول عبارت‌اند از نظام اداری و نظام بازار. ویژگی مشترک اقتدار اداری و نظام بازار این است که آن‌ها در برگیرنده هنجارهای عام‌اند. هنجارهای عام در حوزه نظام اداری شامل تعیین حدود اختیارات یک مقام اداری و مدت دسترسی به آن و خط تمایزی است که فشار یا نفوذ مناسب را از نامناسب جدا می‌کند. برای بازار هنجارهای عام عبارت‌اند از حقوق مالکیت بر کالاها، زمین و پول. هنجارهای دیگر روابط قراردادی و واسطه پولی را طرفین معاملات تنظیم می‌کنند.

¹⁰. Richard Munch

¹¹. Niklas Luhmann

¹². Complementarity

از نظر پارسونز، توسعه نظام قضایی عمومی^{۱۳} اساسی‌ترین جنبه تکامل جامعه در نظر گرفته می‌شود؛ نظامی یکپارچه از هنجارهای جهان‌شمول که برای کل جامعه به کار می‌رود و برحسب اصول و معیارها بسیار عام است و نسبتاً مستقل از دین و دولت عمل می‌کند (همان: ۲۹۸).

انجمن دموکراتیک آخرین نظامی است که به نظر پارسونز در جامعه مدرن شکل می‌گیرد و به مثابه مهم‌ترین و برجسته‌ترین مؤلفه سازنده جامعه تلقی می‌شود. پارسونز برای انجمن دموکراتیک چهار مؤلفه مهم و اساسی برمی‌شمرد:

۱. نهادینه کردن کارکرد رهبری در شکل یک مقام انتخابی
۲. حق رأی‌گیری، یعنی مشارکت نهادی اعضا در انتخاب صاحب‌منصبان سیاسی و نیز خط‌مشی‌ها
۳. نهادینه کردن قواعد آیین‌نامه‌ای برای فرآیند رأی‌گیری و تعیین نتایج آن.
۴. نهادینه کردن اصل داوطلبانه عضویت در انجمن که با هرگونه انتساب یا اجبار مخالف است (همان: ۳۰۵)

در دیدگاه سیستمی نیکولاس لومان، تمایز جامعه نتیجه پیچیدگی فزاینده‌ای است که حاصل عواملی نظیر رشد جمعیت، شمول جامعه‌ای^{۱۴} گروه‌ها، مشارکت اجتماعی و تغییرات فرهنگی مانند تغییر مشروع بودن نابرابری به مشروع تلقی شدن برابری می‌باشد. به نظر لومان، هم‌چنان که این عوامل گسترش می‌یابند، کنش و تصمیم‌گیری نهادهای عمومی دیگر نمی‌تواند درباره همه حوزه‌های کنش، همه گروه‌ها و همه کنش‌گران ادعای اعتبار^{۱۵} کند. در این صورت، به ناهنجاری کاملی منجر خواهد شد. کنش و تصمیم‌گیری به نظام‌های تعاملی کوچک‌تر محدود می‌شوند. تحت این شرایط، وقتی شور و اشتیاق مذهبی و ایده‌های روشن‌فکری برای تصمیم‌گیری سیاسی به کار گرفته شوند، نتیجه آن فقط منازعه و درگیری خواهد بود. جست‌وجوی حقیقت در موضوع خاص مورد توجه علم است؛ در حالی که همین امر در سیاست به فلج کامل تصمیم‌گیری و یا تحمیل مواضع ایدئولوژیک تغییرناپذیر بر تصمیماتی منجر می‌شود که انتخاب‌هایی از میان گزینه‌های بسیار است. این بدان معنا نیست که آرمان‌های روشن‌گری کاملاً برای فرآیند سیاسی نامناسب‌اند، بلکه آن‌ها ماده‌ای فراهم می‌کنند که سیاست‌مداران درباب قوانین سیاسی از آن استفاده می‌کنند. به این معنا که آن‌ها برای کسب رأی، فعالیت‌های انتخاباتی خود را بر مبنای ارزش‌های بزرگ استوار می‌کنند. از نظر لومان، فرآیند تمایز باعث افزایش پیچیدگی می‌شود. از این رو، تمایز بیشتر را ضروری می‌سازد. فرآیند تمایز، فرآیندی خود استمرار^{۱۶} است. تمایز به معنای استقلال رو به افزایش نظام‌های فرعی تعامل است که دارای قوانین خاص خود هستند (مونچ، ۱۳۸۱: ۳۹۶). لومان، تمایز را یگانه راه‌حل ممکن سامان‌دهی دوباره نظم اجتماعی در جوامع مدرن می‌داند. او ترجیح می‌دهد در این باره از انتظام و هماهنگی کنش صحبت کند. این نظم به واسطه ادعاهای دور از دسترس نظام‌های خاص کنش به مخاطره می‌افتد. بنابراین، برای مثال، اگر روحانیان خود را به تعریف معنا در حوزه کاملاً خودگردان کنش مذهبی محدود کنند، همه چیز منظم است، این نظم هنگامی به هم می‌خورد که روحانیان و یا روشن‌فکران مدعی شوند که راه‌حل همه مسایل را می‌دانند.

اصل دیگری که لومان آن را برای جامعه مدرن بسیار اساسی و مهم تلقی می‌کند، نظریه توازن خود‌کار^{۱۷} است. بر این اساس، جامعه به تعداد زیادی نظام‌های اجتماعی خود تنظیم‌کننده تقسیم می‌شود که هر یک دیگری را محیطی در نظر می‌گیرد که باید فعالانه با آن سازگار شود. از این رو، ایده‌های روشن‌فکری هیچ‌گونه ویژگی مشروعیت‌بخش مستقیمی برای تصمیمات و فرآیندهای سیاسی ندارند؛ آن‌ها فقط می‌توانند حقایق محیطی قلمداد شوند که باید بر مبنای قوانین درونی نظام سیاسی در خصوص

13. General legal system

14. Social inclusion

15. Claim validity

16. Self-perpetuating

17. Autopoiesis

تصمیم‌گیری مؤثر و کارآمد پردازش شوند (همان: ۳۹۷).

پیشینه تحقیق

در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، استادان دانشگاه‌ها و فعالان سیاسی در برخی از مجله‌های تخصصی علوم انسانی مانند کیان، ایران فردا، آفتاب، نگاه نو و... مفهوم جامعه مدنی را به بحث و گفت‌وگوی نظری گذاشتند، و کمتر از یک دهه بعد، در جریان مبارزه انتخاباتی هفتمین دوره ریاست جمهوری در خردادماه ۱۳۷۶، سید محمد خاتمی، کاندیدای اصلاح‌طلب ریاست جمهوری، آن را به حوزه افکار عمومی جامعه وارد کرد که در عمل این مفهوم به یکی از مطالبات سیاسی مردم ایران تبدیل شد.

جامعه مدنی بنا به اهمیتی که در این زمان پیدا کرد، در تاریخ‌های ۱۱ و ۱۲ بهمن ۱۳۷۶ در سمیناری با عنوان "تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران"، در چهار محور شامل مفاهیم و مؤلفه‌های جامعه مدنی، دین و جامعه مدنی، جامعه مدنی و قانون و جامعه مدنی در ایران، در ۶۵ مقاله مورد بحث قرار گرفت. حاصل این بحث‌ها در کتابی با همان نام سمینار به همت سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی در اسفند ۱۳۶۷ منتشر شد. اکثر مقالات مربوط به جامعه مدنی ایرانی به مباحث نظری اختصاص دارد و فقط یک مورد در بین آن‌ها با عنوان "جامعه مدنی در ساخت اجتماعی کهن و نو ایران" درباره مؤلفه‌های سازنده جامعه مدنی سنتی ایرانی است، که هادی خانگی آن را نوشته است. از سال ۱۳۷۶ تاکنون، که بیش از یک دهه از برگزاری سمینار مزبور می‌گذرد، اگرچه تعدادی کتاب و مقاله جدید در باب جامعه مدنی به چاپ رسیده است، مطالعات آکادمیک جدی در این باره صورت نگرفته است. حال مقاله را در دو بخش الف. جامعه مدنی سنتی و ب. تغییر در جامعه مدنی ادامه می‌دهیم.

الف. جامعه مدنی سنتی

با یک بررسی تاریخی می‌توان گفت جامعه مدنی سنتی در معنای حوزه عمومی مستقل از دولت، در ایران در دوره قاجار شکل گرفت که با سه شاخص نیروهای اجتماعی، فضای عمومی و نهادها و سازمان‌های مدنی تعریف می‌شود.

۱. نیروهای اجتماعی

نیروهای مهم تأثیرگذار جامعه مدنی سنتی در زمان مشروطه از چهار طیف اجتماعی با گرایش‌های طبقه‌ای، فکری و فرهنگی مختلف تشکیل شده بودند: علما و بازاری‌ها، روشن‌فکران، گروه‌های عشیره‌ای و گروه‌های محلی (عیاران و اهل فتوت و لوطی‌ها).

۱.۱. علما و بازاری‌ها

با به قدرت رسیدن صفویان در سال ۸۸۰ هجری شمسی و پذیرش مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور به تدریج یک طبقه اجتماعی قدرتمند به نام روحانیان و در رأس آن "علما" در ایران شکل گرفت، که این قشر در کنار تجار نقش مهمی در تغییرات اجتماعی - سیاسی جامعه سنتی ایران ایفا می‌کردند.

مسعود کمالی (۱۳۸۱)، آبراهامیان (۱۳۷۶) و لمبتون (۱۳۶۰) قدرت بازاری‌ها و علما را در برابر دولت، به عواملی نظیر پیوند پول و ایدئولوژی، ساخت مورفولوژیک شهری و استقلال این طبقه از دولت مرتبط می‌دانند (کمالی، ۱۳۸۱: ۷۸).

لمبتون در تغییر و تکامل در ایران سده‌های میانه به قدرت بازاری‌ها اشاره کرده و می‌نویسد دولت‌های ایران آن‌چنان به قدرت اقتصادی بازار وابسته بودند که در مواردی بعضی از تجار به مقام وزارت می‌رسیدند. بازار نبض‌تپنده و مرکز "حیطه"

عمومی " جامعه شهری ایران بود. مراکز مهم مثل قهوه‌خانه‌ها، حمام‌های عمومی، مساجد، تکیه‌ها، مکتب‌خانه‌ها، سازمان‌های صنفی و مؤسسات خیریه، همه در بازار قرار داشتند و به دست بازاری‌ها اداره می‌شدند (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

دولت به دو دلیل عمده به بازار نیاز داشت: اول این که علاوه بر اخذ مالیات از اصناف، در مواردی از بازار وام می‌گرفت و دوم این که حوزه عمومی جامعه متعلق به بازار بود. به سبب شبکه روابط اجتماعی قوی در بازار و به‌خصوص جایگاه ویژه علمای مذهبی در تنویر افکار عمومی، این حوزه از قدرت بسیج‌کنندگی توده‌ای بالایی علیه دولت برخوردار بود.

یرواند آبراهامیان در مقالاتی در *جامعه‌شناسی ایران* ساخت مورفولوژیک شهرهای ایران را در قدرت بسیج‌کنندگی این دو نیروی اجتماعی علیه دولت مؤثر می‌داند و می‌نویسد: ساختار سیاسی شهرها حاصل موازنه پیچیده قدرت مابین پادشاه و بازار بود. هرگاه پادشاه اقتدار داشت رؤسای اصناف را خود منصوب می‌کرد و گماشتگان وی، مثل شیخ‌الاسلام‌ها و امام‌جمعه‌ها قدرت‌های مذهبی مهمی در شهرها محسوب می‌شدند و کلانتران (که نظارت بر اصناف را به عهده داشتند) و محاسب‌ها (که مسئول نظارت بر اوزان و مقادیر، قیمت‌ها و امور کلی بازار بودند) بر زندگی شهری تسلط داشتند. هرگاه قدرت پادشاه ضعیف بود، رؤسای اصناف را پیش‌کسوتان صنف انتخاب می‌کردند و مجتهدان که قدرت‌های مذهبی مستقل از حکومت بودند و با کسبه و تجار پیوند تنگاتنگی داشتند، پرچم استقلال بر می‌افراشتند و به‌عنوان رقیبی در برابر دولت قد علم می‌کردند (همان: ۱۱۲).

از نظر کمالی، نفوذ علمای شیعه در جامعه ایران به دو عامل برمی‌گردد: اتحاد با تجار و همکاری با دولت برای رفع منازعات بین مردم و دولت. به علاوه، دولت‌ها برای کسب مشروعیت به علمای دینی نیاز داشتند. از این رو، دولت‌هایی که در ایران روی کار می‌آمدند، اداره بسیاری از مؤسسات مهم اجتماعی را - که در واقع شریان‌های مهم جامعه آن روز ایران بودند، یعنی دفترهای ازدواج و طلاق، دادگاه‌ها و مساجد - به عهده روحانیان می‌گذاشتند. هم‌چنین، با نفوذی که روحانیان در بازار داشتند حتی در داد و ستدهای اجتماعی و عقد قراردادهای اقتصادی به عنوان شاهد، قاضی، معتمد و... شرکت می‌کردند. علاوه بر موارد فوق، علمای شیعه به برکت دو نهاد مذهبی "وقف" و "سهام امام" از نظر مالی از دولت بی‌نیاز بودند. این ارتباط اقتصادی و مذهبی را یک فرآیند اجتماعی دیگر، یعنی ازدواج بین این دو طبقه، تقویت می‌کرد (کمالی، ۱۳۸۱: ۹-۷۸).

۲.۱. روشن‌فکران

ویلم فلور در *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران* در عصر قاجار اولین گروه روشن‌فکری را مرکب از سیاستمداران، سیاحان، تجار و نخبگان فرهنگی می‌داند که با غرب آن زمان، یعنی قفقاز، عثمانی و اروپا ارتباط برقرار کردند. به نظر فلور، گروه روشن‌فکر در ایران ابتدا از درون حاکمیت بیرون آمد و سپس به جریانی مستقل و مخالف با آن تبدیل شد. روشن‌فکران این دوره توانستند با تشکیل محفل‌های دوری، راه‌اندازی روزنامه و بنیان‌گذاری انجمن‌ها دور هم جمع شوند (فلور، ۱۳۶۶: ۵۷).

آبراهامیان نیز در توصیف این گروه می‌نویسد: «روشن‌فکران [کمتر و نامتجانس‌تر از آن بودند که بتوانند یک طبقه اجتماعی را تشکیل بدهند: بعضی اشراف، حتی شاهزادگان، بقیه افراد لشکری و کشوری، و باز بعضی دیگر کارمند و تاجر بودند. اما به‌رغم تفاوت‌های شغلی و اجتماعی، قشر خاصی را تشکیل دادند، زیرا در شوق به تغییر اساسی اقتصادی، سیاسی و عقیدتی با هم اشتراک داشتند» (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۵۶).

۳.۱. گروه‌های عشیره‌ای

عشایر از بزرگ‌ترین گروه‌های سنتی جامعه آن روز ایران بودند. سران ایلات و قبایل بسته به شرایط سیاسی کشور کم و بیش در قدرت سهیم بودند. از آن‌جا که دولت‌های قاجار فاقد ارتش منظم بودند، ایلات بخشی از سربازان دولت‌ها را تشکیل

می‌دادند که این امر جایگاه سران ایلات و قبایل را در سیاست مستحکم می‌کرد. اما از آن‌جا که عشایر دائماً یا با یکدیگر و یا با یک‌جانشین‌ها (روستانشین‌ها و شهرنشین‌ها) در تضاد و جنگ بودند، هیچ‌گاه نمی‌توانستند علیه دولت مرکزی متحد شوند. شدت و ضعف قدرت ایلات با شدت و ضعف حکومت مرکزی رابطه معکوس داشت، به طوری که در زمانی که حکومت مرکزی قوی بود، بسیاری از سران ایلات از طرف حکومت مرکزی کنترل می‌شدند. با تضعیف حکومت مرکزی سران ایلات سر به شورش می‌گذاشتند و با دولت و یا با یکدیگر وارد جنگ می‌شدند (چلبی، ۱۳۸۷: ۲۹).

عشایر و به‌ویژه در رأس آن‌ها خان‌های بزرگ، نقش دوگانه‌ای در جامعه مدنی سنتی داشتند. بخشی از نیروهای عشایری محافظه‌کار و ضد مشروطه بودند و دولت در جریان انقلاب مشروطه آن‌ها را علیه انقلابیون بسیج کرد. اما از سوی دیگر، برخی از خان‌های عشایر مانند علی‌قلی خان سردار اسعد بختیاری از مؤسسان انجمن سیاسی کمیته انقلابی و از طرفداران پرشور انقلاب مشروطه بودند (همان: ۷۲). چنان‌که آبراهامیان می‌نویسد در اواخر دوران محمدعلی‌شاه، برخی از رؤسای ایلات مانند محمدولی خان سپهدار، از زمین‌داران بزرگ مازندران و مصمصام‌السلطنه از طایفه ایلخانی با بسیج اعضای قبیله‌شان علیه دولت مرکزی شورش کردند و سپس برای فتح تهران عازم پایتخت شدند (همان: ۹۰).

۴.۱. گروه‌های محلی

منظور از گروه‌های خودجوش محلی عیاران و اهل فتوت و لوطی‌ها هستند. برخی از محققان آن‌ها را جوان‌مرد و برخی دیگر زورگو خوانده‌اند و از نظر سیاسی عده‌ای آن‌ها را طرفدار مشروطه و عده‌ای دیگر مخالف مشروطه قلمداد کرده‌اند (خانگی، ۱۳۸۱: ۵۱-۲۵۰).

در مورد نقش لوطی‌ها در انقلاب مشروطه نیز دو دیدگاه وجود دارد. چنان‌چه برخی به نقش لوطی‌ها در حمایت از دربار اشاره می‌کنند، و عده‌ای دیگر ستارخان و باقرخان، دو تن از رهبران انقلاب مشروطه تبریز را از لوطی‌های سابق دو محله امیرخیز و شیخی تبریز می‌دانند و از آن نتیجه می‌گیرند که لوطی‌ها طرفدار انقلاب مشروطه بوده‌اند (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۸۷ و ۸۹).

۲. حوزه عمومی

اجزای حوزه عمومی جامعه مدنی سنتی عبارت‌اند از: پاتوق یا مکان‌های تجمع مردم (شامل قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، مساجد، تکایا و حسینیه‌ها و قرائت‌خانه‌ها) که اکثر آن‌ها در حوالی بازار قرار داشتند و محفل‌ها که مکان‌هایی موقتی برای گردهم‌آیی به منظور بحث و گفت‌وگوی بین‌گروهی بودند. در کنار این عوامل، در این دوره به تدریج وسایل ارتباط جمعی که بیشتر روزنامه‌ها را شامل می‌شدند، شکل گرفت.

۱.۲. پاتوق‌ها یا مکان‌های تجمع

مهم‌ترین مکان‌های تجمع اعضای جامعه مدنی سنتی عبارت بودند از قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، مساجد، تکایا و حسینیه‌ها و در اواخر این دوره قرائت‌خانه‌ها.

از دوره قاجار تاکنون قهوه‌خانه یکی از اصلی‌ترین پاتوق‌ها برای گردهم‌آیی مردم ایران محسوب می‌شود. در زمان قاجاریه، هر قهوه‌خانه پاتوق دسته‌ای از مردم از جمله گروه کارگری متشکل از بنا، نقاش و آهن‌کوب و امثال این‌ها بود (شهری، ۱۳۸۱: ۴۰۵). قهوه‌خانه‌ها علاوه بر این که محل صرف غذا و نوشیدنی گرم بود، مکانی برای تفریح و وقت‌گذرانی گروه‌های مختلف اجتماعی و به‌ویژه محلی برای بحث و گفت‌وگو و طرح مسایل روز مملکت در ایران بوده‌اند. به نقل از ادوارد براون در کتاب *انقلاب مشروطیت ایران* در این دوره، نقالان حرفه‌ای در قهوه‌خانه‌ها به جای نقل داستان‌های اساطیری شاهنامه، اخبار سیاسی

را به اطلاع مردم می‌رساندند (براون: ۱۳۸۰: ۱۴۷).

زورخانه‌ها اولین سازمان ورزشی در ایران محسوب می‌شوند که عمدتاً به دست لوطی‌ها اداره می‌شدند. جعفر شهری در طهران قدیم اصلی‌ترین کارکرد زورخانه را اشاعه آیین جوان‌مردی و پهلوانی می‌داند (شهری، ۱۳۸۱: ۱۷۹). از کارکردهای دیگر زورخانه جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای افراد مستمند بوده است.

رابطه زورخانه‌ها با دولت نیز به اقتدار دولت مرکزی بستگی داشت. به طوری که کمالی می‌گوید در زمان تضعیف قدرت دولت، این گروه‌ها که تحت نفوذ علما و بازاری‌ها قرار داشتند، مسئولیت برقراری نظم عمومی را در شهر به عهده می‌گرفتند (کمالی، ۱۳۸۱: ۸۵). نقش این گروه در پیروزی جنبش مشروطه نیز انکارناپذیر است. اما این گروه‌ها با پیدایش بحران‌های سیاسی و اجتماعی خودسرانه دست به تشکیل "کمیته‌های مجازات" و "دسته‌های باج‌گیر" زدند و کم‌کم کارکرد مثبت خود را از دست دادند. با به قدرت رسیدن رضاشاه به تدریج این محل‌ها از بین رفتند و یا تغییر ماهیت دادند و به مکان‌هایی برای تجمع شاه‌دوستان و چاپلوسان تبدیل شدند.

در کنار این مکان‌ها نقش مکان‌های مذهبی سنتی برجسته‌تر است. در انقلاب مشروطه مساجد، تکایا و حسینیه‌ها و به‌خصوص مساجد بزرگ چندین کارکرد عمده برای انقلاب داشتند؛ در حالت ضعف و فقدان وسایل ارتباط جمعی پیشرفته از جمله تلویزیون و روزنامه در ایران آن روز، منبر مساجد یگانه وسیله ارسال پیام انقلاب به مردم، تنویر افکار عمومی و بحث پیرامون مسایل کشور بود. این مکان‌ها هم‌چنین برای بست‌نشینی و اعتراض به عملکرد دولت هم به کار می‌آمدند.

در تکاپوی انقلاب مشروطه، به دنبال فزونی تأسیس مدارس نوین، تأسیس انجمن‌های فرهنگی (نظیر انجمن معارف و شرکت طبع کتب) و انجمن‌های سیاسی، که در راستای اهداف خود به انتشار مجله و روزنامه علاقه داشتند، عده‌ای از روشن‌فکران ایده تشکیل محلی برای ارائه نسخه‌هایی از جراید را جهت استفاده عمومی مطرح کردند. هدف اصلی از اختصاص محلی برای خواندن جراید، یا قرائت‌خانه، ترویج فرهنگ و دانش در بین مردم کشور بود. زدودن آثار جهالت، آشنایی با اندیشه‌های مترقی و تهذیب اخلاق، اشاعه فرهنگ کتاب‌خوانی در بین اقشار محروم، جلوگیری از هدر رفتن وقت افراد در قهوه‌خانه‌ها، گذرگاه‌ها، سر بازارها و سامان‌دهی به عرضه فعالیت‌های فرهنگی از دیگر اهداف فرعی راه‌اندازی قرائت‌خانه‌ها در کشور عنوان شده‌اند (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۴).

۲.۲. محفل‌ها

محفل‌ها را که جلساتی خصوصی برای جمع‌شدن افراد یک گروه، انجمن، طایفه و حزب سیاسی در محل خاصی (بیشتر در منازل شخصی و قرائت‌خانه‌ها) بودند، می‌توان در چهار طیف طبقه‌بندی کرد: دوستانه، خانوادگی، سیاسی و دینی.

- محفل‌های دوستانه: این محفل‌ها خاص گروه روشن‌فکری بودند که میلی به حضور در پاتوق‌های سنتی از قبیل خانقاه و زورخانه نداشتند. گروه دوستان هم‌فکر و روشن‌فکر بیشتر دور یک روزنامه به طور مثال روزنامه‌هایی چون *صور اسرافیل* و *اتحاد اسلامی* جمع می‌شدند و بین آن‌ها با دیگران رقابتی به وجود می‌آمد.

- محفل‌های سیاسی: این محفل‌ها بیشتر هم‌زمان با محفل‌های روشن‌فکری در کشورهای فرانسه، آلمان، روسیه و عثمانی در داخل و خارج از ایران شکل گرفتند.

- محفل‌های خانوادگی: محفل‌های خانوادگی یا خویشاوندی خاص ایل قجر بود. پس از استقرار ایل قجر در تهران بخش‌هایی از نظام خویشاوندی این ایل از حاکمیت جدا شد و به حاشیه تهران و سایر شهرها نقل مکان کرد. به این ترتیب، در این نواحی مقاومتی از درون ایل قجر شکل گرفت که به بیرون از حوزه رسمی منتقل شد. نیروهای عشیره‌ای در اثر تعامل غیر رسمی و خودمانی با یکدیگر منشاء شکل‌دهی به بسیاری از اجتماعات شدند (صفایی، بی‌تا: ۶۲).

- محفل‌های دینی: در دوره قاجار، محفل‌های دینی در تکیه‌ها، حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی با گردهم‌آیی افراد مذهبی طبقه متوسط به پایین و پایین جامعه شکل گرفتند.

۳.۲. مطبوعات

بی‌اعتنایی ناصرالدین‌شاه به اصلاحات اساسی در طول سلطنت خود موجی از مهاجرت نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران را به اروپا، هندوستان، مصر و عثمانی در پی داشت. این مهاجرت هسته اصلی پدیده روزنامه‌نگاری تبعیدی ایران در اروپا و آسیا را شکل داد، به طوری که در اواخر قرن نوزدهم حدود ۲۲ روزنامه فارسی خارج از ایران به چاپ می‌رسید. اولین روزنامه آزادی‌خواهان مهاجر را دو روزنامه‌نگار جوان به نام میرزاهمدی و محمدطاهر در سال ۱۸۷۵ میلادی در قسطنطنیه (استانبول) به نام اختر منتشر کردند که مخفیانه در ایران توزیع می‌شد. انتشار/اختر در عثمانی سبب شد تعداد زیادی از آزادی‌خواهان ایرانی مهاجر مانند میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی کرمانی گرد هم آیند. روزنامه/اختر تا سال ۱۸۹۶ میلادی (به مدت بیست سال) انتشار یافت و در این سال حکومت عثمانی آن را توقیف کرد (مولانا، بی‌تا: ۱۲۹).

از سال ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۵ میلادی سید جمال الدین اسدآبادی با همکاری یکی از نویسندگان مصری به نام شیخ محمد عبده روزنامه عروه الوثقی را به زبان عربی در پاریس منتشر کرد، که در آن عملکرد حکومت‌های استبدادی ایران، مصر و عثمانی مورد انتقاد قرار می‌گرفت. در سال‌های آخر عمر سید جمال، او با روزنامه قانون که میرزا ملکم‌خان در لندن منتشر می‌کرد، همکاری داشت. اولین واکنش ضد استعماری مطبوعات در ماجرای تنباکو علیه واگذاری انحصار توتون و تنباکو به شرکت انگلیسی رژی شکل گرفت (همان: ۱۰۹).

با به رسمیت شناختن آزادی مطبوعات در قانون اساسی مشروطه تعداد نسبتاً زیادی روزنامه و شب‌نامه به منظور تنویر افکار عمومی و توجیه نظام مشروطه و قانون اساسی در تهران^{۱۸} و مراکز استان‌های کشور ظهور کردند (مولانا، بی‌تا: ۱۲۹). برجسته‌ترین و مشهورترین نشریه‌ها را اعضای انجمن‌های مخفی می‌نوشتند (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۸۰). در این سال‌ها در حدود ۴۰ روزنامه ملی و غیردولتی عموماً آزادی‌خواه در تهران و شهرستان‌ها منتشر می‌شد. از سال ۱۸۷۳ میلادی که اولین روزنامه در ایران منتشر شد تا سالی که مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطیت را صادر کرد، روی هم رفته ۸۳ روزنامه دولتی مختلف در پایتخت و شهرستان‌ها منتشر شدند (مولانا، بی‌تا: ۱۲۹).

۳. نهادها و سازمان‌های مدنی

مهم‌ترین نهادهای مدنی دوران مشروطه عبارت بودند از: انجمن‌ها و احزاب سیاسی.

۳.۱. انجمن‌ها

انجمن‌های این دوره را می‌توان در دو طیف کلی تقسیم کرد: انجمن‌های رسمی و انجمن‌های غیررسمی. انجمن‌های رسمی از طریق قانون و با نظارت دولت تأسیس شدند. در دوره قاجار، انجمن‌های رسمی سه صورت داشتند: بلدی، ایالتی و ولایتی. برآون معتقد است انجمن‌های رسمی بنا به میل و اهداف دولت‌مردان تأسیس می‌شدند. از این رو، اگر کار و اهداف انجمن‌ها با امیال و سیاست‌های دولت سازگاری داشت، آن‌ها شانس بقا پیدا می‌کردند و در غیر این صورت دچار

^{۱۸} از جمله روزنامه‌های منتشرشده در این دوره در تهران می‌توان از این روزنامه‌ها یاد کرد: مجلس، وطن، ندای وطن، ندای اسلام، کلید سیاست، کَشکول، مساوات، تمدن، صبح صادق، روح القدس، روح الامین، الجمال، الجناب، جام جم، زبان ملت، آدمیت، تدین، گلستان سادات، جبل‌المتین و صور اسرافیل.

انحطاط و زوال زودهنگام می‌شدند (براون، ۱۳۸۰: ۲۳۲). خانگی انجمن‌های رسمی را نمایندگان دولت مرکزی در اموری چون نظارت بر انتخابات، رسیدگی به شکایات و جمع‌آوری مالیات می‌داند (خانگی، ۱۳۸۱: ۲۵۷).

به طور کلی، انجمن‌های غیررسمی را که در دوران قاجار شکل گرفتند می‌توان در چهار گروه کلی طبقه‌بندی کرد: انجمن‌های فرهنگی، انجمن‌های اقلیت‌های قومی و مذهبی، انجمن‌های سیاسی و انجمن‌های صنفی. در دوران مبارزه برای برقراری مشروطه، وظایف این انجمن‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی پیدا کرد، به طوری که آن‌ها دارای وظایف و کارکردهای چندمنظوره شدند. برای مثال، انجمن‌های سیاسی به تأسیس مدرسه می‌پرداختند و انجمن اصناف و یا اقلیت‌های قومی وارد مسایل سیاسی می‌شدند. تعداد انجمن‌های غیر رسمی را در این دوره بالغ بر ۱۰۰۰ تخمین می‌زنند که از بین آن‌ها ۱۴۴ انجمن در تهران فعالیت می‌کردند. انجمن‌های غیر رسمی تهران بعدها از نظر سازمانی تحت نظارت یک "انجمن مرکزی" قرار گرفتند.

۱.۱.۳. انجمن‌های فرهنگی

هدف از این انجمن‌ها، که روشن‌فکران، تجار و علمای مذهبی (مسیحی و اسلامی) تأسیس کردند، کمک به توسعه فرهنگی ایران، پیش‌برد اصلاحات و ترویج اندیشه‌های توسعه‌خواه و نوگرا بود. اولین انجمن‌های فرهنگی در ایران، انجمن‌های مسیحی بودند که نقش مهمی در پیشرفت علمی مناطق ارمنی‌نشین ایران داشتند. آن‌ها با حمایت از مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی و کلیسای‌سازی اعتبار خاصی در این مناطق پیدا کردند. به نقل از لمبتون، جانشین پرکینز، در سال ۱۸۴۱، ۱۷ مدرسه در ۱۶ روستای ارومیه برای آسوربان ساخت، که این تعداد در سال ۱۸۵۱ میلادی به ۴۵ رسید (لمبتون، ۱۳۷۹: ۳۳-۱۳۲).

در دوران مظفرالدین‌شاه، گروهی از بازاریان اصفهان "شرکت اسلامی" را تأسیس کردند که هدف آن آموزش صنایع جدید مانند نساجی و پشتیبانی از صنایع دستی، به‌ویژه هنر مینیاتور، برای نیل به استقلال اقتصادی بود. در تبریز، گروهی از روشن‌فکران جوان ترک که با فرهنگ نواحی قفقاز و عثمانی آشنا بودند، انجمنی را تشکیل دادند که روزنامه فارسی‌زبان گنجینه فنون را منتشر می‌کرد.

در این دوره، در تهران نیز گروه دیگری از روشن‌فکران "انجمن معارف" را تأسیس کردند و با گردآوری کتاب‌های خود، نخستین کتابخانه ملی کشور را بنیان گذاشتند. انجمن معارف توانست از زمان تشکیل‌اش تا انقلاب مشروطه ۵۵ مدرسه متوسطه خصوصی در تهران تأسیس کند (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۶۹).

"شرکت طبع کتب"، از دیگر انجمن‌های فرهنگی کشور بود که در راستای انتشار نشریات داخلی و نشریات فارسی‌زبان خارج از کشور نظیر *حبل‌المتین* کلکته و *اختر استامبول*، فعالیت می‌کرد. محور اصلی موضوعات مطرح شده در جراید مذکور، توجه جدی به ترویج فرهنگ و دانش در کشور بود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۴).

۲.۱.۳. انجمن‌های اقلیت‌های قومی - مذهبی

هدف از تأسیس این انجمن‌ها محافظت از منافع گروه‌هایی بود که از نظر مذهبی و قومی در جامعه ایران و یا در شهر تهران در اقلیت بودند. بعدها، در جریان مشروطه بسیاری از این انجمن‌ها وارد فعالیت‌های سیاسی شدند. انجمن آذربایجانی‌ها، انجمن اصفهانی‌ها، انجمن ارامنه، انجمن یهودیان، انجمن زردتشتیان و انجمن ایرانیان جنوب از مهم‌ترین انجمن‌های اقلیت‌های قومی و مذهبی بودند که فعال‌ترین و بزرگ‌ترین آن‌ها، انجمن آذربایجانی‌ها، حدود ۳۰۰۰ عضو داشت (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۷۹). اعضای انجمن آذربایجانی‌ها همراه با مردم سایر شهرهای ایران در دفاع از تصویب متمم قانون اساسی و حمایت از مجلس ملی بسیج شدند (همان: ۸۳).

۳.۱.۳. انجمن‌های سیاسی

انجمن‌های سیاسی در دوران قاجار را با توجه به محل شکل‌گیری آن‌ها می‌توان در دو طیف جداگانه بررسی کرد: انجمن‌های سیاسی داخل کشور و انجمن‌های سیاسی خارج از کشور.

اغلب انجمن‌های سیاسی داخل کشور را - که برخی از آن‌ها بعدها به احزاب سیاسی تبدیل شدند - روشن‌فکران تحصیل‌کرده داخل (دارالفنون) و خارج از کشور، تجار، درباریان، اشراف تحصیل‌کرده و روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه تأسیس کردند. از اولین انجمن‌های سیاسی این دوره "اغلب" و "فراموش‌خانه" بود. در زمان مظفردالدین‌شاه، تعداد انجمن‌های سیاسی مخفی، که نقش مهمی در انقلاب مشروطه به عهده گرفتند، به پنج مرکز رسید: مرکز غیبی، حزب اجتماعیون عامیون، مجمع آدمیت، کمیته انقلابی و انجمن مخفی.

به طور کلی، هدف روشن‌فکران داخلی از تأسیس انجمن‌های سیاسی در درجه اول مشارکت در زندگی سیاسی و امور کشورداری بود. تنویر افکار عمومی و دادن آموزش‌های سیاسی از دیگر اهداف این انجمن‌ها بود. بعدها، این انجمن‌ها زمینه شکل‌گیری احزاب سیاسی را در ایران فراهم آوردند (براون، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

انجمن‌های سیاسی خارج از کشور در دوره استبداد صغیر و قبل از شکل‌گیری نهضت مشروطه، با هدف رهایی ایران از استبداد و جلوگیری از دخالت دولت‌های بیگانه‌ای چون روسیه و انگلیس در امور داخلی ایران در خارج از کشور، در استانبول، قفقاز، برلن، لندن و... تشکیل شدند. تأسیس این انجمن‌ها موجب توسعه اندیشه مدرن به‌ویژه در امور سیاسی و انتقاد از قدرت‌طلبی حاکمان و همچنین اشاعه ادبیات اجتماعی شد. انجمن سیاسی "سعادت" در استانبول و "کمیته ملیون" در برلن از مهم‌ترین انجمن‌های سیاسی این دوره بودند (بهنام، ۱۳۷۹: ۷۸).

۳.۱.۴. انجمن‌های صنفی

محمد پروانه اولین انجمن صنفی در ایران را در سال ۱۲۸۵ در چاپخانه کوچکی در تهران واقع در خیابان ناصریه بنیان گذاشت. در سال ۱۳۰۱ انجمن عمومی کارگران موفق شد ۸۰۰۰ نفر از ۳۰۰۰۰ کارگران تهران را سازمان دهد و ۸ اتحادیه کارگری را به وجود آورد. علاوه بر تهران، در چند شهر بزرگ ایران نیز انجمن‌های صنفی فعالیت می‌کردند. در بررسی فعالیت انجمن‌های کارگری دو نکته شایسته تأمل است: اول این که جامعه ایران آن روز یک جامعه غیر صنعتی و کشاورزی بود و لذا انجمن‌ها بسیار نوپا و بی تجربه و از نظر تعداد بسیار محدود بودند. دوم این که فعالیت این انجمن‌ها، مانند دیگر نهادهای جامعه مدنی اسیر سیاست‌زدگی می‌شد. بقا و دوام انجمن‌ها به اوضاع و احوال سیاسی و چرخش قدرت ارتباط داشت. انجمن‌ها با روی کار آمدن حکومت‌های ملی تقویت می‌شدند و با تضعیف حکومت‌ها آن‌ها نیز رو به زوال می‌رفتند (خانگی، ۱۳۸۱). "انجمن اصناف" در ابتدای شکل‌گیری خود، ضمن دفاع از حقوق اعضایش در برابر دولت، وظیفه جمع‌آوری مالیات برای دولت را نیز به عهده داشت. به تدریج با تقویت بنیه اقتصادی انجمن قدرتی به دست آورد که حتی بر تصمیم‌گیری‌های دولت تأثیر می‌گذاشت (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۸۶).

۳.۲. احزاب سیاسی

در ابتدای تکوین انقلاب مشروطه پنج حزب عمده اعلام موجودیت کردند: حزب اجتماعیون - عامیون (سوسیال دموکرات)، حزب دموکرات، حزب اجتماعیون - اعتدالیون، حزب اتفاق و ترقی و حزب ترقی‌خواهان جنوب. از آن‌جا که دو حزب آخر بیشتر احزاب محلی و کوچک بودند و نقش خاصی در تحولات سیاسی این دوره نداشتند، در این‌جا موضوع را به بررسی سه حزب اصلی که در دوران مشروطه و پس از انقلاب مشروطه اثرگذار بودند، محدود می‌کنیم.

۱.۲.۳. حزب اجتماعیون - عامیون (سوسیال-دموکرات)

در ۱۲۸۵ شمسی (۱۹۰۵ میلادی) " کمیته سوسیال دموکرات ایران " در باکو - یکی از شهرهای مرزی روسیه با ایران - تشکیل شد. از نظر سوسیال دموکرات‌ها، ریشه بسیاری از مسایل ایران به شیوه تولید سنتی کشاورزی برمی‌گشت، که می‌بایست از طریق قانون اصلاحات ارضی دگرگون می‌شد. حزب سوسیال دموکرات از بین بردن نظام ارباب و رعیتی از طریق اصلاحات ارضی را پیش‌زمینه شکل‌گیری نظام سوسیالیستی در ایران می‌دانست. طبق مرام‌نامه حزب سوسیال-دموکرات دولت باید به منظور برقراری عدالت اجتماعی اقداماتی را در موارد زیر انجام می‌داد:

- تأمین نیازهای زنان، کودکان و افراد نیازمند.
- ساخت مسکن‌های اجاره‌ای برای افرادی که در شرایط سکونتگاهی بدی زندگی می‌کنند.
- تأسیس مدارس دولتی برای یتیمان و کودکان بی‌سرپرست.
- معافیت مالیاتی برای افراد فقیر.
- کاهش مالیات گمرکی از کالاهای اساسی (خسروی شارودی، ۱۹۹۸: ۱۹۸).

جدا از برنامه اقتصادی، در مرام‌نامه این حزب اصولی نیز پیرامون آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی آمده بود: آزادی مشورت، آزادی لسان (بیان)، آزادی مطبوعات، آزادی اتفاق، آزادی مذهب، آزادی تعطیل (تجمع و اعتصاب) (خانگی، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

۲.۲.۳. حزب دموکرات

با بر افتادن دوره اول مجلس شورای ملی در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ هـ. ق. به دست دولت کودتا، "استبداد صغیر" حاکم شد و در نتیجه آن نهضت مشروطه به بستر انقلابی افتاد. با فتح پایتخت به دست طرفداران مشروطه سلطنت ملغا و حکومت ملی دوباره احیا شد. در این محیط پرتحرک سیاسی و ملت‌پسند "حزب دموکرات ایران" موجودیت خود را اعلام کرد (آدمیت، ۱۳۵۵: ۹۵). حزب دموکرات که موفق شد در مجلس دوم یک فراکسیون ۲۸ نفری به وجود آورد، در ایالات و ولایات شعبه‌های مختلفی تأسیس کرد و انتشار چند روزنامه‌های *ایران نو*، *نوبهار* و *شفق* را آغاز نمود. از جمله اختلافات پایه‌ای این حزب با حزب سوسیال دموکرات در برنامه‌های اقتصادی بود. این حزب مخالف تحقق نظام کمونیستی در ایران بودند. دموکرات‌ها موافق نظام پارلمانی بودند، اما با تأسیس مجلس سنا با این استدلال که اسلام اعیان ندارد، چگونه می‌تواند مجلس اعیان داشته باشد، مخالف بودند.

۳.۲.۳. حزب اجتماعیون - اعتدالیون

هم زمان با حزب دموکرات، حزب اعتدالیون نیز به منصفه ظهور رسید. پایگاه اجتماعی این حزب بیشتر از بین تحصیل کرده‌ها، تجار، علما و برخی از شاهزادگان و سران ایلات و نیز افراد میانه‌رو که دارای افکار آزادی‌خواهانه بودند، شکل گرفت. حزب اجتماعیون - اعتدالیون به لحاظ سیاسی معتدل و اصلاح‌طلب بود. تشکیل مجلس سنا، شوراها، آزادی مطبوعات و حاکمیت قانون نیز مورد حمایت آنان قرار گرفت (خانگی، ۱۳۸۱: ۲۷۰).

ب. تغییر در جامعه مدنی

با شناختی که در بخش اول مقاله درباره جامعه مدنی سنتی و نقش آن در انقلاب مشروطه حاصل شد، در ادامه به بررسی تغییر و تحولات نظام جامعه مدنی سنتی و نقش و کارکردهای آن می‌پردازیم.

مهم‌ترین عواملی که زمینه تحول جامعه مدنی سنتی به نیمه‌مدرن را فراهم آورد، عبارت‌اند از: گسترش فضای عمومی و مجازی، پیچیده‌شدن طبقات اجتماعی، تولد نهادها و سازمان‌های مدنی غیردولتی جدید، رشد مطبوعات، افزایش احزاب و گروه‌های سیاسی، شکل‌گیری جنبش‌های مدنی (دانشجویی، زنان و حقوق بشر).

۱. فضای عمومی

فضای عمومی سنتی ایران طی این سال‌ها تغییراتی پذیرفته است که از آن جمله خلق فضاهای مدرن جدید در کنار فضاهای سنتی گذشته است. منظور از فضاهای عمومی سنتی پاتوق‌ها یا مکان‌های تجمعی نظیر مصلاهی نماز جمعه، مساجد، حسینیه‌ها و تکایا است که در حال حاضر هم‌چون گذشته بیشتر محل تجمع بخش سنتی جامعه است. اما در کنار این فضای عمومی سنتی، فضاهای عمومی جدیدی طی دو دهه اخیر شکل گرفته‌اند که بیشتر محل استفاده طبقه متوسط جدید و به‌ویژه روشن‌فکران این طبقه قرار می‌گیرند. مهم‌ترین این فضاها عبارت‌اند از: فضای رسانه‌ای فرامرزی، فضای مجازی اینترنتی، کانون‌های روشن‌فکری و محفل‌های روشن‌فکری سیاسی.

۱.۱. فضای رسانه‌ای فرامرزی

با گسترش وسایل ارتباط جمعی جدید (ماهواره و تلویزیون) و تسهیل در امر ارتباطات و تشکیل جامعه ایرانیان خارج از کشور یک فضای عمومی جدید در کشور ایجاد شده است که در نوع خود تازگی دارد. در این فضا بسیاری از فعالیت‌ها نظیر چاپ روزنامه، هفته‌نامه، کتاب و یا تأسیس فرستنده‌های رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی، که در داخل کشور اجازه فعالیت نمی‌یابند، امکان‌پذیر شده است. در این میان نقش فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی از همه بیشتر است. در حال حاضر، علاوه بر رادیوهای فارسی‌زبان مانند بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، دویچه وله و رادیوی بین‌المللی فرانسه که به پخش برنامه‌های فارسی از سوی دولت‌های انگلستان، آمریکا، آلمان و فرانسه مبادرت می‌کنند، دو شبکه تلویزیونی دولتی، یعنی صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی و بیش از ۳۰ شبکه تلویزیونی و تعدادی فرستنده‌های رادیویی، که هر ساله رو به افزایش‌اند، به دست خود ایرانی‌ها در خارج از کشور راه‌اندازی شده‌اند که در داخل ایران با ماهواره قابل دریافت هستند.

۲.۱. فضای مجازی

اینترنت یک فضای عمومی مجازی برای گفت‌وگو و کسب اطلاعات برای هموطنان در ایران و خارج از کشور است که روز به روز در حال گسترش است. در حالی که در سال ۲۰۰۰ فقط ۲۵۰.۰۰۰ نفر در ایران به اینترنت دسترسی داشتند، این رقم در سال ۲۰۰۵ به ۷.۵۰۰.۰۰۰ نفر افزایش یافته است. در ضمن ۴۱/۲ درصد کاربران اینترنت در خاورمیانه را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند و ایران در وبلاگ‌نویسی مقام سوم جهان را دارد. کافی‌نت‌ها، که تعداد آن‌ها در شهرهای کشور روز به روز در حال افزایش است، نقش پاتوق‌های جدید را بازی می‌کنند (بزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۸۴).

فضای مجازی و فضای رسانه‌ای فرامرزی در کنار سایر منابع، اطلاعات اқشار مختلف اجتماعی و خصوصاً طبقه متوسط جدید و طبقه بالادست را تغییر داده است. اگر در گذشته دولت عمده‌ترین و بانفوذترین تأمین‌کننده منابع اطلاعاتی مردم

ایران بود، در حال حاضر منابع غیردولتی جدیدی به وجود آمده‌اند که از تأثیر دولت و سایر نهادهای سنتی جامعه نظیر خانواده و مذهب بر افکار عمومی می‌کاهد و بر اقتدار و میزان تأثیرگذاری گروه‌های مرجع جدید شامل گروه‌های موسیقی، ورزشی، هنری، سینمایی، ادبی و... بر جامعه می‌افزاید (ربیعی، ۱۳۸۶: ۶۵).

۳.۱. کانون‌های روشن‌فکری

حمیدرضا جلائی‌پور (۱۳۸۱) از سه کانون روشن‌فکری پس از جنگ، یا دوران سازندگی (۷۶-۱۳۶۸) نام می‌برد، که زمینه‌های جنبش اصلاحات را در سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ در کشور فراهم آوردند. این کانون‌ها عبارت‌اند از: کانون روشن‌فکری دینی، کانون روشن‌فکری دینی سکولار و کانون روشن‌فکری دینی روحانی (جلائی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۱۱).

به نظر جلائی‌پور، کانون اول خود از سه حلقه تشکیل شده بود که عبارت بودند از حلقه روشن‌فکری شاگردان دکتر سروش، حلقه مرکز مطالعات استراتژیک و حلقه دانشجویان اعزامی به خارج.

حلقه شاگردان دکتر سروش علاوه بر طرح مفاهیم دینی مختلف از آموزه‌های جامعه مدنی و توسعه سیاسی دفاع می‌کردند. عده‌ای از آن‌ها، ماهنامه کیان را منتشر کردند و سپس گردانندگان روزنامه‌های جامعه، توس، نشاط و عصر آزادگان بودند.

حلقه دوم "مرکز مطالعات استراتژیک" بود که حاصل تحقیقات آن درباره برنامه‌ریزی کلان توسعه سیاسی در ماهنامه راهبرد منتشر می‌شد و بخشی از مباحث سیاسی و روزآمدتر آن در دوهفته‌نامه عصر ما چاپ می‌شد. طرح بحث جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران از جمله اقدامات تأثیرگذار نشریه عصر ما بود (همان: ۲۲۶).

حلقه سوم روشن‌فکری دینی با اعزام ۲۵۰۰ دانشجویی دکتری شکل گرفت که در دوران هاشمی رفسنجانی به خارج از کشور اعزام شدند. برخی از این دانشجویان در پاره‌ای از انجمن‌های اسلامی فعال بودند.

کانون دوم، شامل نیروهای ملی-مذهبی بود که نشریه ایران فردا را منتشر می‌کردند. هم‌چنین، انتشار نشریه پیام‌هاجر که در آن از مسایل زنان دفاع می‌شد، از فعالیت‌های این کانون محسوب می‌شود.

کانون سوم، کانون روحانیون حوزه علمیه قم بود که افکار نوگرایانه دینی خود را در گاهنامه نقد و نظر چاپ می‌کردند. به نظر جلائی‌پور، همه کانون‌های روشن‌فکری فوق مستقیم و غیرمستقیم در تقویت جامعه مدنی نقش داشته‌اند. مهم‌ترین این نقش‌ها ظهور مطبوعات اصلاح‌طلب در دوران اصلاحات بود (جلائی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۱۲).

۴.۱. محفل‌های روشن‌فکری سیاسی

محفل‌های روشن‌فکری سیاسی بیشتر در دانشگاه‌ها، جلسات یا کنگره‌های سالیانه احزاب سیاسی، منازل نخبگان سیاسی خانه‌نشین و جلسات ادواری نمایندگان مجالس دوره‌های گذشته تشکیل شده‌اند. دعوت انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها از شخصیت‌های سیاسی برای سخنرانی، جلسات سخنرانی پیوسته در منزل عبدالله نوری، کنگره سالیانه حزب اعتماد ملی، مشارکت، خانه احزاب و... از جمله محفل‌های سیاسی روشن‌فکری در دوران پس از اصلاحات می‌باشند که بیشتر ماهیت سیاسی داشته‌اند.

۵.۱. مطبوعات

به دنبال رشد آموزش عمومی و عالی در کشور و توسعه شهرنشینی و به‌ویژه آزادی نسبی در فضای سیاسی پس از جنگ به تدریج امکان فعالیت مطبوعات در کشور فراهم شد. در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۷۸

بسیاری از وظایف احزاب سیاسی را مطبوعات به عهده گرفتند. از این رو، ما در این دوره با پدیده "احزاب مطبوعاتی" روبه‌رو شدیم. مطبوعاتی که در پی کسب کرسی‌های مجلس و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی بودند، فعالانه در گزینش نامزدهای انتخاباتی و فعال کردن صحنه انتخاباتی تبلیغ کردند (افخمی، ۱۳۸۳: ۶۳۸). در این سال‌ها مطبوعات از نظر کمی نیز رشد چشمگیری داشته‌اند، به طوری که تعداد نشریات کشور از ۲۰۳ نشریه در سال ۱۳۵۰ به حدود ۳۳۱۳ نشریه در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. هم‌چنین، شمارگان روزنامه‌های کشور از ۴۰۰۰۰۰ شماره در سال ۱۹۷۰ به ۱۶۵۰۰۰۰ شماره در سال ۱۹۹۶ و ۳۳۰۰۰۰۰ نسخه در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است که رشدی ۸ برابری را نشان می‌دهد. در حالی که در سال ۱۹۷۰ برای هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت کشور ۱۴ شماره روزنامه وجود داشته است، این رقم در سال ۱۹۹۶ به ۲۶ شماره و در سال ۲۰۰۱ به ۵۳ نسخه افزایش یافته است (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

۲. عناصر یا نیروهای اجتماعی

مهم‌ترین نیروهای اجتماعی تأثیرگذار بر جامعه مدنی سنتی - مدرن ایران عبارت‌اند از:

۱.۲. روحانیان و بازاریان سنتی

در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی طبقه متوسط سنتی شامل پیشه‌وران، تجار خرده‌پا و بزرگ به شکل‌های مختلف از انقلاب حمایت کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل همبستگی تاریخی قشر روحانی و بازاری، شاهد نفوذ سیاسی و اقتصادی بازاریان در بخش‌های مختلف جامعه هستیم. برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی فرصت‌های تجاری بزرگی را در اختیار بازاریان قرار داد. بخش قدرتمند و بانفوذ بازار پس از انقلاب با بهره‌مند شدن از حمایت‌های حکومت بر اکثر مراکز تولیدی و صنعتی بخش خصوصی که به دست دولت مصادره شده بود مسلط شد و با ایجاد تشکیلاتی از جمله کمیته امورصنعی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، سازمان اقتصاد اسلامی و اتاق بازرگانی، کنترل بخش اصلی سرمایه‌داری تجاری را در اختیار گرفت. خرابی صنایع داخلی در اثر جنگ با عراق و نیاز روزافزون به واردات کالا از خارج به فربه‌شدن این گروه کمک فراوانی کرد. در بعد سیاسی، بازاریان فرصت پیدا کردند که سازمان و تشکیلات سیاسی خود را تقویت کنند و انسجام بخشند. برای مثال، می‌توان جمعیت مؤتلفه اسلامی را قدیمی‌ترین و مهم‌ترین سازمان سیاسی بازار تلقی کرد که از همان اوایل تأسیس ارتباط تنگاتنگی با روحانیت سنتی داشت.

اما از دهه ۷۰ تا به امروز بازار سنتی به تدریج فرصت‌ها و امکانات اولیه خود را به دلایلی چند از جمله جهانی‌شدن اقتصاد، کاهش توان مالی دولت رانتهی در حمایت از بازار، مدرن‌شدن تجارت و بازرگانی و راه‌اندازی مراکز تولیدی و خدماتی کشور و ظهور طبقه تکنوکرات صنعتی از دست می‌دهد. علاوه بر موارد فوق، بر اثر گسترش شهرنشینی روز به روز حرفه‌ها و صنوف جدید گسترش می‌یابند و بازارهای متعدد و بزرگ جدیدی شامل فروشگاه‌های زنجیره‌ای و سوپرمارکت‌ها برای ارائه کالاها تأسیس می‌شوند. حضور و فعالیت سرمایه‌داران نوساز و رانت‌خوار در عرصه تجارت نیز به تضعیف این طبقه کمک می‌کند.

در کنار کاهش قدرت اقتصادی و شأن اجتماعی خرده‌بورژوازی بازاری، قدرت سیاسی این طبقه نسبت به گذشته در قوه مقننه رو به افول می‌گذارد. بر اساس تحقیق علی‌رضا ازغندی، استاد دانشگاه شهید بهشتی، در درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در شش دوره قانون‌گذاری جمهوری اسلامی رقابتی مستمر بین طبقه متوسط سنتی و طبقه متوسط جدید برای تصاحب صندلی‌های مجلس وجود داشته است که حاصل آن کاهش تدریجی نقش بازار در مجلس بوده است. بر این اساس، در مجلس اول حضور طبقه متوسط سنتی ملموس‌تر و چشم‌گیرتر از حضور سایر طبقات و اقشار بوده است، ولی از مجلس سوم شورای اسلامی به بعد، جایگاه نمایندگان با خاستگاه اجتماعی طبقه متوسط جدید نسبت به سایر اقشار و طبقات در مجلس

مستحکم‌تر شده است. برای مثال در مجلس اول شورای اسلامی ۵۰/۶۶ درصد نمایندگان مجلس از طبقه متوسط سنتی بوده‌اند. این وضعیت به مرور زمان به نفع طبقه متوسط جدید تغییر کرده است و به ۲۸/۹ درصد در مجلس پنجم و ۲۵/۲ درصد در مجلس ششم کاهش یافته است. در دوره اول مجلس قانون‌گذاری حدود ۳۰ درصد از پدران نمایندگان مجلس روحانی بوده‌اند؛ این نسبت در ادوار بعد با سیر نزولی مواجه بوده است، به طوری که در دوره چهارم به ۱۷/۲ درصد و در دوره پنجم به ۱۲/۲ درصد کاهش یافته است. به همین ترتیب، به موازات کاهش تعداد نمایندگان روحانی با منشاء طبقاتی سنتی، شاهد کاهش تعداد اعضای دیگر طبقه متوسط سنتی، یعنی پیشه‌وران، کاسبکاران و تجار در مجالس شورای اسلامی می‌باشیم. به نحوی که تعداد نمایندگان با خاستگاه اجتماعی بازاری از ۲۶/۹ درصد در دور اول قانون‌گذاری به ۱۶/۷ درصد در دور پنجم و ۱۵/۲ درصد در مجلس ششم کاهش یافته است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۳-۱۵۲).

۲.۲. طبقه متوسط جدید

چنان‌که می‌دانیم طبقه متوسط جدید و خصوصاً روشن‌فکران این طبقه با تأسیس و اداره مؤسسات و سازمان‌های غیردولتی مانند مطبوعات، اتحادیه‌های صنفی، شرکت‌های اقتصادی، احزاب سیاسی، انجمن‌های علمی و مدنی و... به فربه‌شدن بخش خصوصی در مقابل دولت و استقلال مالی جامعه مدنی از دولت کمک فراوانی می‌کنند. به علاوه، آن‌ها از طریق در اختیار گرفتن مراکز آموزشی، علمی، اداری و سیاسی رسمی در تصمیم‌گیری‌های دولتی تأثیرگذار هستند و برای اعتلا و رشد فرهنگ مدنی در جامعه تلاش می‌کنند. بنابراین، رشد کمی و کیفی این طبقه به‌ویژه روشن‌فکران این طبقه، در مقابل سایر طبقات اجتماعی برای رشد و نهادینه‌شدن جامعه مدنی از اهمیت حیاتی برخوردار است؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد بقا و دوام جامعه مدنی بدون شکل‌گیری این طبقه میسر نخواهد شد.

خوشبختانه آمارها و بررسی‌های تجربی در مورد طبقه متوسط نشان می‌دهد که این طبقه از نظر تعداد و درجه تأثیرگذاری‌اش بر تصمیمات دولتی روز به روز در ایران رشد می‌کند. طبق آمار در سال ۱۳۶۲، ۱۲۱۷۰۴۰۰ نفر در دستگاه‌های مختلف دولتی مشغول به کار بوده‌اند، که این تعداد در سال ۱۳۸۰ به حدود ۳۰۵۰۰۰۰ نفر افزایش پیدا کرده است.

علاوه بر رشد کمی، شاهد ارتقای کیفی سطح نظام اداری دولت در نتیجه استخدام نیروهای متخصص و دارای مدرک دانشگاهی در دستگاه‌های دولتی طی سال‌های پس از انقلاب می‌باشیم. طبق گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۰، ۱۸۰۲۰ نفر از کارکنان دولت دارای درجه دکتری، ۱۵۰۸۸۶ نفر دارای درجه فوق لیسانس و ۱۵۰۸۳۱ نفر دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. طی یک دهه، یعنی در سال ۱۳۸۰، تعداد کارمندان دولت با مدرک دکتری به حدود دو برابر یعنی ۳۶۰۱۹۹ و تعداد کارمندان با درجه فوق لیسانس و لیسانس به بیش از سه برابر افزایش یافته است. در این سال، تعداد کارمندان دارای مدرک فوق لیسانس ۵۴۰۱۷۸ نفر و لیسانس ۵۷۰۱۶۵ نفر گزارش شده است. هم‌چنین، در این مدت تعداد مدیران مؤسسات خدماتی، شرکت‌های بازرگانی، صنایع تولیدی، وکلای دادگستری و پزشکان شاغل در مراکز درمانی خصوصی به طور چشمگیری افزایش یافته است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۱۲۷).

۳. نهادها و سازمان‌های مدنی

نهادها و سازمان‌های مدنی امروزی در مقایسه با دوران مشروطه هم از نظر تعداد و هم از نظر نوع، رشد زیادی پیدا کرده‌اند. اهم نهادها و سازمان‌های مدنی در جمهوری اسلامی را می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد: سازمان‌های مدنی نیمه‌دولتی، سازمان‌های غیردولتی (ان.جی.ا)، شوراهای اسلامی شهر و روستا و احزاب سیاسی.

۱.۳. سازمان‌های نیمه‌دولتی

این سازمان‌ها را می‌توان به چند زیرگروه به شرح زیر تقسیم کرد:

۱.۱.۳. سازمان‌های حقوق بشری شامل سازمان حقوق بشر اسلامی، سازمان امور زنان ریاست جمهوری، که عمدتاً با دخالت مستقیم دولت و یا حمایت مالی و پشتیبانی اداری غیرمستقیم دولت تأسیس شده‌اند.

۲.۱.۳. نهادهای اقتصادی شامل تعاونی‌ها، اتحادیه‌های کارگری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، سازمان‌های اقتصادی و بنیادها. تعاونی‌ها که امروزه تعدادشان به بیش از ۲۰۰ می‌رسد، در کنار دیگر سازمان‌های اقتصاد مردمی و روشن‌فکری نقش سازمان‌های توسعه‌گرا را ایفا می‌کنند. علاوه بر تعاونی‌ها، اتحادیه‌های کارگری مانند خانه کارگر و جامعه اسلامی اصناف و بازار فعالیت دارند. سازمان اقتصاد اسلامی یکی از قدرتمندترین نهادهای اقتصادی کشور است که دستی نیز در مسایل سیاسی دارد.

بنیادها در جمهوری اسلامی طیف متنوعی از امور تجاری، تولیدی، بانکی، خدمات اجتماعی، فرهنگی و تبلیغاتی را به عهده دارند. به علاوه، برخی از این بنیادها مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی نیز وارد می‌شوند و نقش گروه‌های فشار را بازی می‌کنند. سواى بنیادهای اقتصادی خصوصی و وقفی غیر دولتی گروه دیگری از بنیادهای فرهنگی مانند بنیاد فارابی و سازمان تبلیغات اسلامی وجود دارند که بر مراکز فرهنگی از قبیل سینماها نظارت دارند و یا در امر انتشار کتاب و مجله فعال هستند.

به طور خلاصه، بنیادها در دوره جمهوری اسلامی ضمن این که از نظر تعداد بسیار افزایش پیدا کرده‌اند، در حال حاضر از منابع مالی گسترده‌ای برخوردارند. با توجه به این ویژگی، بنیادها می‌توانند از یک سو دولت را در زمینه‌های مختلف یاری کنند و از سوی دیگر، این امکان وجود دارد که در آینده به لحاظ فربه‌شدن تدریجی‌شان به رقیبی برای دولت تبدیل شوند (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۴۶).

۲.۳. سازمان‌های غیردولتی (ان.جی.ا)

گروه دوم، سازمان‌های غیردولتی هستند که آن‌ها را می‌توان سازمان‌های واقعی جامعه مدنی در ایران محسوب کرد. بهمن نیرومند تعداد سازمان‌های غیردولتی کشور را در سال ۱۳۸۴ حدود ۱۰۰۰۰ تخمین زده است که بیشتر در حوزه‌های علم و پژوهش (۳۸ درصد)، فرهنگ و هنر (۳۷ درصد)، مسایل اجتماعی (۱۶ درصد) و مسایل زیست-محیطی (۹ درصد) به فعالیت مشغول بوده‌اند (نیرومند، ۲۰۰۳: ۹). در "بانک اطلاعاتی سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی ایران" اسامی ۲۰۲۸۹ سازمان غیردولتی ذکر گردیده است.^{۱۹}

برخی دیگر از محققان کشور سازمان‌های غیردولتی را با توجه به سه شاخص موضوع فعالیت، سطح عملیات و گروه مشتریان طبقه‌بندی کرده‌اند. بر این اساس این سازمان‌ها از نظر زمینه فعالیت، در شش مقوله رفاهی (۲۹/۲ درصد)، توسعه‌ای (۶/۸ درصد)، حمایتی-ترویجی (۳۳/۹ درصد)، آموزشی (۲۵ درصد)، شبکه‌سازی (۲/۱ درصد) و پژوهشی (۳/۱ درصد) فعال هستند. بر این اساس، سازمان‌های خیریه، قرض‌الحسنه‌ها، تشکل‌هایی نظیر انجمن زنان مبتلا به سرطان سینه و جمعیت مبارزه با اعتیاد در زمره سازمان‌های رفاهی محسوب می‌شوند. تعداد کمی از سازمان‌های غیردولتی در عرصه‌های توسعه‌ای کار می‌کنند که فعالیت‌هایی چون تحقیقات توسعه و عمران محلی یا منطقه‌ای را بر عهده دارند. اما بخش عمده‌ای از سازمان‌های غیردولتی خدمات حمایتی ارائه می‌کنند. انجمن‌های دانش‌آموختگان، محیط زیست و علمی در این دسته جای می‌گیرند.

^{۱۹}. انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶) بانک اطلاعات سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی در ایران، تهران.

آن‌ها برای تأثیر بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به موضوع‌های خاص و ایجاد حمایت اجتماعی مرتبط با آن‌ها در میان مردم و سازمان‌های هم‌فکر تلاش می‌کنند. از جمله سازمان‌های غیردولتی که جهت‌گیری آموزشی دارند، می‌توان به تشکل‌هایی نظیر انجمن‌های فرهنگی، هنری و باشگاه‌های دختران اشاره کرد. این گروه از سازمان‌ها، موضوع‌های فنی و حرفه‌ای، هنری، فرهنگی، ورزشی و... را به شهروندان آموزش می‌دهند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۶۷-۱۶۶).

هم‌چنین، می‌توان سازمان‌های غیردولتی را برحسب حوزه عملکردشان به دو گروه اصلی سازمان‌های غیردولتی حرفه‌ای (صنفي) و غیرحرفه‌ای تقسیم کرد. گروه اول شامل طیف وسیعی از سازمان‌ها و انجمن‌های صنفي است که برای دفاع از حقوق اعضای خود در مقابل دولت فعالیت می‌کنند. هدف این سازمان‌ها ایجاد نظم و ترتیب میان اعضا و اتخاذ خط‌مشی مشترک است. در کنار این کارکرد برخی از این سازمان‌ها به فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌پردازند. در این راستا، تعدادی از سازمان‌های صنفي اقدام به تأسیس شرکت‌های تجاری کرده‌اند. برای مثال، سازمان نظام پزشکی تلاش کرده است تا در سال‌های اخیر کنترل داد و ستد خدمات و وسایل پزشکی را به دست خود گیرد. سازمان نظام مهندسی در اکثر نقاط کشور شعبه‌هایی دارد و بر امور کیفی ساخت و ساز مطابق استانداردهای ضد زلزله در کشور نظارت می‌کند و همکاری نزدیکی با ارگان‌های دولتی از جمله شهرداری‌ها و بانک‌ها دارد. علاوه بر سازمان‌های ذکر شده، می‌توان فهرست بلندی از سازمان‌ها و انجمن‌های صنفي خصوصی در ایران تهیه کرد. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به کانون نویسندگان ایران، انجمن حقوق‌دانان ایران، انجمن جامعه‌شناسان ایران، انجمن اسلامی معماران، انجمن فیلم‌سازان و... اشاره کرد. در دهه سوم استقرار جمهوری اسلامی قدرت تأثیرگذاری اتحادیه‌های صنفي بر تصمیم‌گیری‌های دولت افزایش پیدا کرده است. در این مورد می‌توان به اعتراضات سراسری معلمان برای افزایش حقوق در سال ۱۳۸۶، اعتصاب کارگران شرکت واحد تهران برای دریافت مطالبات خود و نیز تعطیلی بازارهای تهران و چند شهر بزرگ کشور از جمله اصفهان در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر افزودن ۳ درصد ارزش افزوده به کالاهای اقتصادی در دی ماه ۱۳۸۷ اشاره کرد.

نوع دوم سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌هایی را در برمی‌گیرد که اهداف غیرصنفي را دنبال می‌کنند. این نوع سازمان‌ها در حال حاضر بیشتر حول محور حقوق بشر و حقوق زنان فعالیت می‌کنند. از جمله سازمان‌های حقوق بشری غیردولتی در ایران می‌توان انجمن حمایت از زندانیان سیاسی و انجمن مدافعان حقوق بشر را نام برد.

۳.۳. شوراهای اسلامی شهر و روستا

طبق اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراها یکی از ارکان تصمیم‌گیری درباره امور کشور در سطح میانه و خرد، و یا امور مربوط به استان‌ها، بخش‌ها و روستاها محسوب می‌شوند. در سال ۱۳۷۷ اولین انتخابات شوراهای شهر و روستا برگزار شد و شوراها در کشور رسمیت پیدا کردند. در حال حاضر، شوراهای اسلامی علاوه بر اختیاراتی که در زمینه انتخاب شهردار، بخش‌دار و ده‌دار، طرح لوایح و پیشنهادهایی درباره امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی شهری و روستایی دارند، می‌توانند بر عملکرد نهادهای شهری - روستایی شامل شهرداری‌ها، بخش‌داری‌ها و ده‌داری‌ها نظارت داشته باشند و با سایر ارگان‌های شهری و روستایی همکاری کنند. در روستا، شورا یکی از اهرم‌های رفع اختلافات محلی و انعکاس نیازهای روستاییان به مراجع بالاتر محسوب می‌شود.

در حال حاضر اگرچه ابهامات قانونی چندی درباره حدود و شرح وظایف شوراها و رابطه آن‌ها با سایر ارگان‌های دولتی وجود دارد و این امر بعضی اوقات موجب بروز اختلاف‌هایی بین مسئولان شهری و کندشدن امور شهری گردیده است، اما به طور کلی در بلندمدت، تقویت اصل شوراها مشارکت اجتماعی مؤثر مردم در امور محلی و منطقه‌ای را ممکن می‌سازد. بر این اساس، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و آموزشی را می‌توان با مشارکت عمومی و تحت نظارت دولت انجام داد

و از تصدی و انحصار دولت و سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به آن در بسیاری از زمینه‌ها کاست.

۳.۴. احزاب سیاسی

بر اساس آمار وزارت ارشاد اسلامی، در سال ۱۳۸۶ در کشور ۱۵۲ حزب و گروه سیاسی به طور رسمی مجوز فعالیت داشته‌اند. به این تعداد باید احزاب سیاسی‌ای را اضافه کرد که به طور غیررسمی در خارج از کشور فعالیت می‌کنند. احزاب و گروه‌های سیاسی داخل کشور را از جهت رابطه‌شان با جمهوری اسلامی در سال‌های پس از انقلاب می‌توان به دو طیف اصلی تقسیم کرد: احزاب و گروه‌های سیاسی بیرون از قدرت و احزاب و گروه‌های سیاسی درون قدرت.

الف. احزاب و گروه‌های سیاسی بیرون از قدرت: این دسته احزاب و گروه‌های سیاسی‌ای را شامل می‌شوند که از زمان پیروزی انقلاب تا به حال به دلایلی از مشاکت در قدرت محروم شده‌اند. از جمله احزاب بیرون از قدرت می‌توان به حزب ملت ایران، جنبش مسلمانان مبارز، جنبش آزادی بخش ملی ایران (جاما)، نهضت آزادی ایران و گروه موسوم به ملی - مذهبی‌ها اشاره کرد.

ب. احزاب و گروه‌های سیاسی درون قدرت: این گروه از احزاب که با توجه به تغییر و تحولات شرایط سیاسی داخلی و بین‌المللی کم و بیش اجازه مشارکت در قدرت را پیدا کرده‌اند، در شش جبهه و یا جناح کلی تقسیم‌پذیرند:

ب.۱. جبهه اصول‌گرای راست سنتی: شامل جامعه روحانیت مبارز، تشکل‌های اسلامی همسو (جمعیت مؤتلفه، جامعه وعاظ، جامعه اصناف و بازار، جامعه زینب، جامعه اسلامی دانشجویان و دانشگاهیان و جامعه اسلامی مهندسين، جامعه اسلامی فرهنگیان)، جبهه پیروان خط امام و رهبری، اتحادیه دانشجویان حزب‌الله (گروه رسا) و گروه انصار حزب‌الله، جمعیت ایثارگران، جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی نمایندگان ادوار، جامعه اسلامی کارگران.

ب.۲. جبهه اصول‌گرای راست مدرن و یا اصول‌گرایان تحول‌گرا: شامل جمعیت آبادگران جوان، حزب اصول‌گرایان نواندیش.

ب.۳. جبهه میانه‌رو: شامل حزب کارگزاران سازندگی، حزب اعتدال و توسعه.

ب.۴. جبهه اصلاح‌طلب چپ سنتی: شامل مجمع روحانیون مبارز، ائتلاف گروه‌های خط امام (انجمن اسلامی دانشجویان، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی دانشگاهیان و انجمن اسلامی مهندسين، کارکنان و مدرسان).

ب.۵. جبهه اصلاح‌طلب چپ مدرن: شامل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، حزب مشارکت ایران اسلامی، حزب همبستگی ایران اسلامی، حزب مردم‌سالاری و تاحدودی حزب اعتماد ملی.

ب.۶. جبهه حقوق بشر و دموکراسی: این احتمال وجود دارد که این جبهه در آینده از ائتلاف حزب مشارکت، نهضت آزادی

ایران و گروه موسوم به ملی - مذهبی‌ها و تاحدودی حزب اعتماد ملی شکل بگیرد و مبنای فعالیت خود را بر دفاع از حقوق شهروندی همه ملت ایران قرار دهد.

۴. جنبش‌های اجتماعی (دانشجویی، زنان و حقوق بشر)

در حال حاضر جامعه مدنی ایران دارای سه جنبش مهم و تأثیرگذار است: جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش حقوق بشر.

نقش جنبش دانشجویی در پیروزی انقلاب انکارناپذیر است. پس از پیروزی انقلاب و به‌ویژه در دوران جنگ این جنبش به حمایت و پشتیبانی از انقلاب و پاسداری از دست‌آوردهای آن پرداخت. از یک دهه گذشته به بعد جنبش دانشجویی حالت اعتراضی به خود گرفته است. اولین حرکت اعتراضی در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در قالب تظاهرات علیه توقیف روزنامه سلام و نیز

اعتراض به طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس پنجم صورت گرفت. پس از آن تا مدت کوتاهی جنبش دانشجویی به حالت انفعال سیاسی درآمد. تا این که از نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۸۲ حرکت‌های دانشجویی بعد وسیع‌تری به خود گرفت و در جریان انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۸ نقش مهمی ایفا کرد.

علاوه بر جنبش دانشجویی، دو جنبش دیگر نیز در سال‌های اخیر در ایران در حال شکل‌گیری است: جنبش زنان و جنبش حقوق بشر. جنبش زنان در ایران بیشتر در پی دستیابی به حقوق برابر زنان با مردان در مواردی چون حق طلاق، حقوق برابر ارث، اصلاح سن ازدواج، حق حضانت فرزندان برای مادران و حق دیه، حق تحصیل و اشتغال و سایر موارد مشابه است. جنبش حقوق بشر علاوه بر حقوق زنان به دنبال دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و اقلیت‌های قومی و مذهبی است. هر دو جنبش در نوع مبارزه با روش مدنی و در قالب نهادهای مدنی در چهارچوب قوانین موجود کشور با یکدیگر اشتراک دارند.

نتیجه‌گیری

با تحلیل مقایسه‌ای جامعه مدنی در دو دوره انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می‌توان تحولاتی را در ابعاد زیر در جامعه ایران شناسایی کرد:

۱. روند توسعه و تکامل جامعه ایران منجر به تفکیک و تمایز نظام‌های اجتماعی، قشربندی اجتماعی، اقتصادی (بازار)، سیاسی (دولت)، دینی، حقوقی، آموزشی و جامعه مدنی از یکدیگر شده است، به طوری که با وقوع انقلاب مشروطه برای اولین بار در ایران یک دولت نیمه‌مدرن با قوه قانون‌گذاری و قوه قضاییه (عدالت‌خانه) شکل گرفت، اقتصاد کشور به تدریج از حالت کشاورزی (فئودالی) خارج شد و به اقتصاد صنعتی و خدماتی تبدیل شد. نظام‌های قشربندی اجتماعی با حذف طبقات سنتی و پیدایش طبقات جدید (بورژوازی جدید، طبقه کارگر و طبقه متوسط جدید) گسترش پیدا کرد و نظام آموزش از انحصار افراد، شیوه‌ها و روش‌های سنتی خارج شد و جای خود را به نظام آموزش عمومی و عالی توسعه‌یافته داد. هم‌چنین، با تدوین اولین قانون اساسی ایران، قوانین و مقرراتی برای دولت و سایر ارگان‌های تابع آن تدوین شد. در کنار تفکیک نظام‌های اجتماعی فوق از یکدیگر، یک جامعه مدنی با عناصر و مؤلفه‌های جدید شکل گرفت که روز به روز بر نقش‌ها و کارکردهای تخصصی آن افزوده می‌شود.

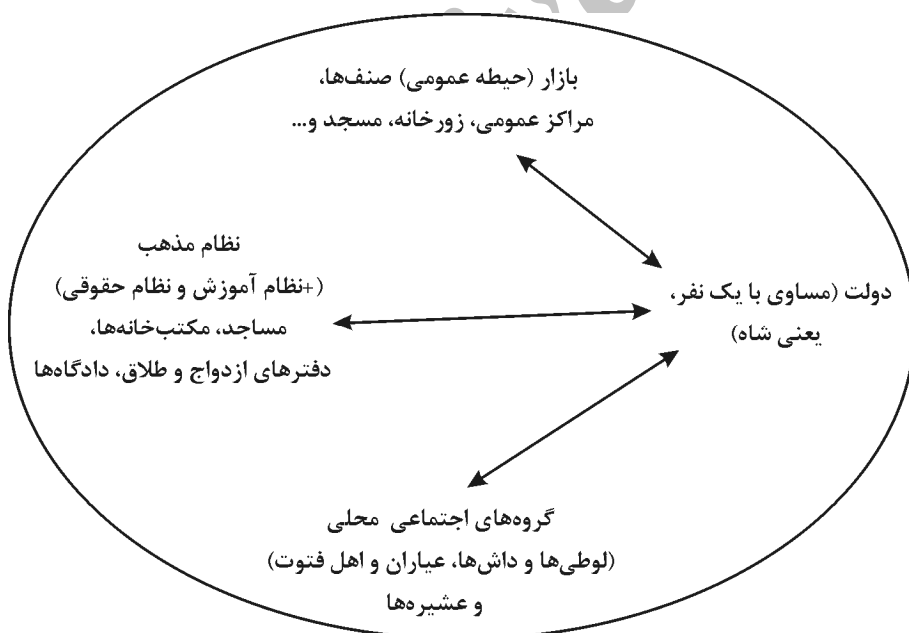
۲. در حالی که در زمان مشروطه وظایف سه نهاد دین، اقتصاد و سیاست با هم تداخل داشتند و سازمان‌های هر یک از نظام‌های اجتماعی فوق تکامل نیافته و دارای کارکردهای چندگانه بودند، در حال حاضر نه تنها کارکرد بازار به امور اقتصادی محدود شده است، بلکه سازمان‌های زیر مجموعه آن از جمله اصناف، حوزه خود را به فعالیت‌های اقتصادی محدود کرده‌اند. برای مثال، در حالی که در گذشته انجمن اصناف، سازمانی چندمنظوره با کارکردهای صنفی، حمایتی و سیاسی بود و یا انجمن‌های اجتماعی نظیر انجمن اقلیت‌های قومی نیز دارای کارکردهای حمایتی و سیاسی بودند، نهادهای جامعه مدنی امروز ایران شامل سازمان‌ها، صنف‌ها و کانون‌ها، انجمن‌های فرهنگی، علمی، نهادها و سازمان‌های مدنی غیردولتی و نیمه‌دولتی، بنیادها، شوراها، رسانه‌های جمعی جدید و جنبش‌های اجتماعی به طور نسبی دارای کارکردهای مدنی هستند تا سیاسی. البته به دلیل درهم‌تنیدگی سیاست با همه امور اجتماعی این تخصصی‌شدن وظایف در همه حوزه‌ها هنوز هم به طور کامل صورت نگرفته است. برای مثال، مشاهده می‌کنیم که در ایران امروز ما هنوز هم مطبوعات سیاسی داریم که در امور سیاسی و از جمله در مهم‌ترین آن‌ها یعنی انتخابات دخالت می‌کنند و یا جنبش‌های اجتماعی جامعه مدنی ایران، به‌ویژه جنبش دانشجویی تا حدود زیادی اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند.

۳. به دنبال کاهش نقش تعیین‌کننده بازار در حیطه عمومی امروز ایران، جامعه مدنی با اعضا و نهادهای جدیدش اکنون

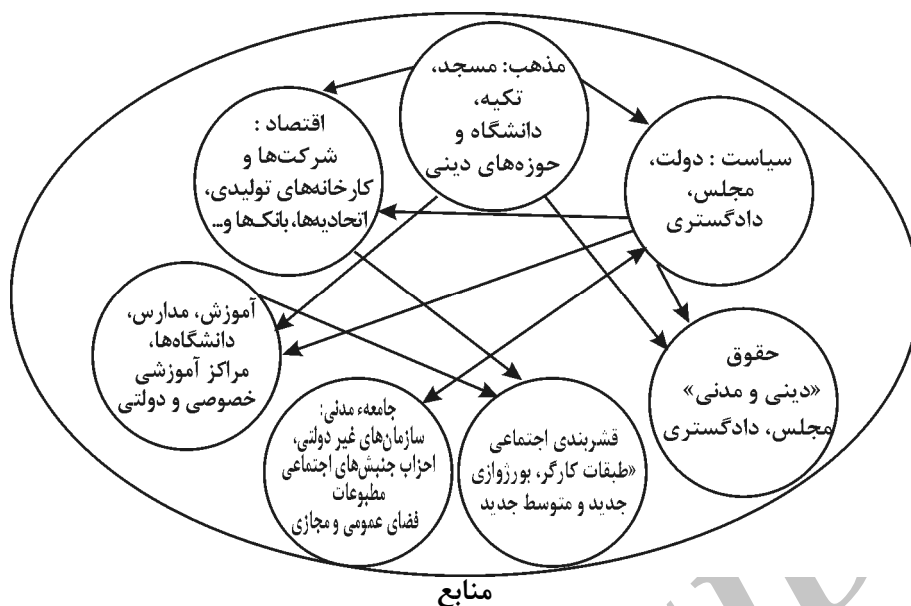
بین جامعه و دولت قرار گرفته است. در حالی که در گذشته همه اجزا، مؤلفه‌ها و نهادهای جامعه مدنی در بازار و یا در انحصار بازار بودند، اکنون ضمن این که این نهادها از بازار جدا شده‌اند، از نظر حجم و تعداد تکامل یافته‌اند و وظایف خود را تا حدود زیادی به صورت تخصصی انجام می‌دهند.

۴. در نهایت، اگر خواسته باشیم نظام‌های اجتماعی جامعه مدنی سنتی و نهادهایش را با نظام‌های اجتماعی جامعه معاصر ایران و نهادهایش مقایسه کنیم، می‌توانیم آن‌ها را در قالب دو شکل ۱ و ۲ نشان دهیم. به طوری که از شکل ۱ فهمیده می‌شود، نهادهای جامعه سنتی ایران شامل بازار (و در دل بازار فضای عمومی)، دولت (مساوی با یک نفر، یعنی شاه)، مذهب (شامل نظام آموزشی و حقوقی) و نظام قشربندی (گروه‌های محلی و عشیره‌ای) بودند که به صورت تفکیک‌نا یافته و غیر تخصصی به وظایف و کارکردهای چندگانه و چندمنظوره خود عمل می‌کردند. در صورتی که در حال حاضر، علاوه بر این که نهادها (اقتصاد، سیاست و مذهب) از یکدیگر جدا شده‌اند، چهار نظام اجتماعی جدید شامل نظام حقوقی، نظام آموزشی، نظام قشربندی اجتماعی و در نهایت نظام جامعه مدنی به وجود آمده‌اند که هر یک به صورت تخصصی به وظایف خود در قالب نهادها و سازمان‌ها عمل می‌کنند و تکامل یافته‌تر از نظام‌های اجتماعی قبلی خود هستند. گفتنی است با توجه به این که نظام حقوقی کشور بیشتر از قوانین فقهی سرچشمه می‌گیرد و سیاست نیز تا حدود زیادی از دین متأثر است نمی‌توان گفت که تفکیک و تمایز کارکردی تکامل یافته‌ای بین این دو نظام (حقوقی و سیاسی) با نظام دین در ایران صورت گرفته است (رابطه نظام‌های اجتماعی با یکدیگر در شکل ۲ نشان داده شده است)

شکل ۱. نظام‌های اجتماعی جامعه سنتی ایران



شکل ۲. نظام‌های اجتماعی جامعه مدنی امروز ایران



آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۶) مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۱) ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیر شانه‌چی، چاپ پنجم، تهران: مرکز.

اسملسر، نیل جی. (۱۳۸۱) «به سوی نظریه مدرنیزاسیون»، در: جامعه سنتی، جامعه مدرن مدرنیته؛ مفاهیم انتقادی، مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.

آدمیت، فریدون (۱۳۵۴) فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت، تهران: پیام.

آدمیت، فریدون (۱۳۵۵) ایدئولوژی نهضت مشروطیت، جلد اول، تهران: پیام.

دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۰) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور دو جلد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس.

افخمی، حسین (۱۳۸۳) «احزاب سیاسی، مطبوعات حزبی و روزنامه‌های مستقل»، در: مسایل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگاه.

امانی، سید مهدی (۱۳۸۰) جمعیت‌شناسی عمومی ایران، تهران: سمت.

امانی، سید مهدی (۱۳۸۶) مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: سمت.

امیراحمدی، هوشنگ و منوچهر پروین (۱۳۸۱) ایران پس از انقلاب، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: مرکز بازنشاسی اسلام و ایران.

انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶) بانک اطلاعات سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی در ایران، تهران: انتشارات از طرف مؤلف.

ایزدی، کاظم (۱۳۷۳) شبکه شهرهای مهم کشور، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، طرح کالبدی ملی.

آدرس و مشخصات نهادهای مدنی زنان جمهوری اسلامی ایران (بی‌تا) تهران: دفتر امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.

ایزنشتاد، اس. ان (۱۳۸۱) «تغییر اجتماعی، تمایز و تکامل»، در: جامعه سنتی، جامعه مدرن مدرنیته؛ مفاهیم انتقادی، مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.

بانک اطلاعات سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی در ایران (۱۳۷۶) تهران: انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۰) *موانع توسعه سیاسی ایران*، چاپ دوم، تهران: گام نو.
- براون، ادوارد (۱۳۸۰) *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مه‌ری قزوینی، تهران: انتشارات کویر.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۹) *برلنی‌ها: اندیشمندان ایرانی در برلن*، تهران: نشر فروزان.
- بولتن ویژه نخستین همایش مراکز فرهنگی و هنری کشور (۱۳۸۱)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پارسونز، تالکوت (۱۳۸۱) «اصول عام تکاملی در جامعه»، در: *جامعه سنتی، جامعه مدرن مدرنیته؛ مفاهیم انتقادی*، مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۷) *مبانی جمعیت‌شناسی*، چاپ هشتم، تبریز: آیدین.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد*، تهران: طرح نو.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱) «انتخابات شوراها؛ سنگ محک اصلاحات»، *آفتاب*، سال سوم، شماره ۲۳.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱) *جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی و سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سال‌های ۵۷-۱۳۲۰*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
- چلبی، مسعود و غلامرضا عظیمی (۱۳۸۷) «مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن ۱۹۲۰-۱۸۰۰)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۱: ۳-۵۱.
- خارابی، فاروق (۱۳۸۰) *سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه*، تهران: دانشگاه تهران.
- خانگی، هادی (۱۳۸۱) *قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات*، تهران: طرح نو.
- ربیعی، علی (۱۳۸۶) «بحران‌های اجتماعی امروز ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۳: ۵۱-۸۰.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۸) «نیمه پریوان»، در: *انتخاب نو؛ تحلیل‌های جامعه‌شناسانه از واقعه دوم خرداد (مجموعه مقالات)*، عبدالعلی رضایی، عباس عبدی، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۴) *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران*، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- سرشماری خلاصه شده سال ۱۳۸۵، در سایت: مرکز آمار ایران.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲) *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی*، تهران: سمت.
- شهری، جعفر (۱۳۸۱) *طهران قدیم*، پنج جلد، تهران: معین.
- صفایی، ابراهیم (بی تا) *نامه‌های تاریخی*، تهران: شرق.
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸) *کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران؛ ۱۳۵۸-۱۳۷۸*، چاپ سوم، تهران: آزادی اندیشه.
- غفاری، مسعود و علی‌اصغر قاسمی (۱۳۸۶) «خاستگاه جنبش جوانان در ایران»، *پژوهش علوم سیاسی*، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی: ۱۶۴-۱۳۹.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶) *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱) *دو انقلاب ایران؛ مدرنیته، جامعه مدنی، مبارزه طبقاتی*، تهران: دیگر.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱) *جامعه مدنی، دولت و نوسازی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۲) *قرائت‌خانه‌های ایران: از آغاز تا سال ۱۳۱۱ شمسی*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- گزارش ملی آموزش عالی ایران (۷۵-۱۳۷۴) تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- لمبتون، ان. کاترین (۱۳۷۹) *نظریه‌های دولت در ایران*، گردآوری و ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: گیو.

لمبتون، آن. کاترین (۱۳۶۰) نگرشی بر جامعه اسلامی در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷) «انقلاب مخملی؛ بسترهای داخلی و تمایلات خارجی»، در: انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران،
فرزاد سعیدپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مولانا، حمید (بی‌تا) جامعه‌شناسی ارتباطات، جزوه درسی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی.
مونچ، ریچارد (۱۳۸۱) «تمایز، عقلانی‌شدن، ادغام: تولد جامعه مدرن»، در: جامعه سنتی، جامعه مدرن مدرنیته؛ مفاهیم
انتقادی، مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.

Nirumand, B (2003) *Iran- Report* Nr. 11/2003, Jg. 2, Berlin: Heinrich- Böll- Stiftung.

Khosravi Sharoudi, Hamid (1998) "Zur Problematik des Demokratisierungsprozesses im Iran"; *Eine soziokulturelle Analyse anhand von Entstehung und Scheitern der konstitutionellen Bewegung von 1906*, Berlin: Klaus Schwarz Verlag.

Archive of SID